سال ۷ • شماره ۱۷۹۵ • ۸ صفحه • ۱۰هزار تومان

روزنامه کارگزاران سازندگی ایران

یک‌شنبه • ۸ مهر ۱۴۰۳ • ۲۵ ربیع‌الاول ۱۴۴۶ • ۲۹ سپتامبر ۲۰۲۴

۴ کافه
سید عزیز
زندگی‌نامه خودگفته سیدحسن نصرالله

۵ تماشا
عملیات رسانه‌ای برای خبر هولناک
تغییر همزمان برنامه‌های تلویزیون، نشان از وقوع اتفاقی تلخ داشت

۶ توسعه
به کام سکه و دلار، به زیان سهام
واکنش بازارها به حوادث لبنان

حزب‌الله لبنان با صدور بیانیه‌ای از شهادت سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان خبر داد

شهید جاوید الاثر

پیام مهم رهبر انقلاب درباره قضایای اخیر لبنان: بر همه مسلمانان فرض است که با امکانات خود در کنار مردم لبنان و حزب‌الله سرافراز بایستند و در رویارویی با رژیم غاصب و ظالم و خبیث، آن را یاری کنند

گروه بین‌الملل: حزب‌الله عصر شنبه با صدور بیانیه‌ای از شهادت سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان در حمله اسرائیل به ضاحیه جنوبی بیروت خبر داد. در این بیانیه آمده است: «پس کسانی در راه خدا بجنگند که زندگی دنیا را به آخرت مبادله کنند و هر کس در راه خدا بجنگد و کشته شود یا پیروز شود، پاداش بزرگی به او خواهیم داد. سید و سرور مقاومت و بنده صالح خداوند، چون شهیدی بزرگ، رهبری شجاع، دلاور، حکیم، بصیر و مومن به جوار پروردگار شتافت؛ کسی که در مسیر رضای او حرکت کرد به قافله جاویدان شهدای کربلای نورانی پیوست. در ادامه این بیانیه آمده است که سرانجام سیدحسن نصرالله نیز به یاران شهید خود که قریب به ۳۰ سال راه آنها را ادامه می‌داد، پیوست. رهبری که آزادسازی لبنان در سال ۲۰۰۰، پیروزی مقاومت در سال ۲۰۰۶ و در سایر نبردهای حمایت از فلسطین، غزه و مردم مظلوم فلسطین را در کارنامه خود دارد. حزب‌الله، مصیبت وارده را به صاحب عصر و زمان (رضوان‌الله تعالی علیه)، ولی امر مسلمین حضرت سیدعلی خامنه‌ای (مدظله‌العالی) مراجع عظام، مجاهدین، مومنین، به ملت مقاومت، مردم صبور و مجاهد لبنان، امت اسلام و همه آزادگان و مستضعفان جهان و خانواده محترم و صبور ایشان تسلیت گفت».

ادامه در صفحه ۳

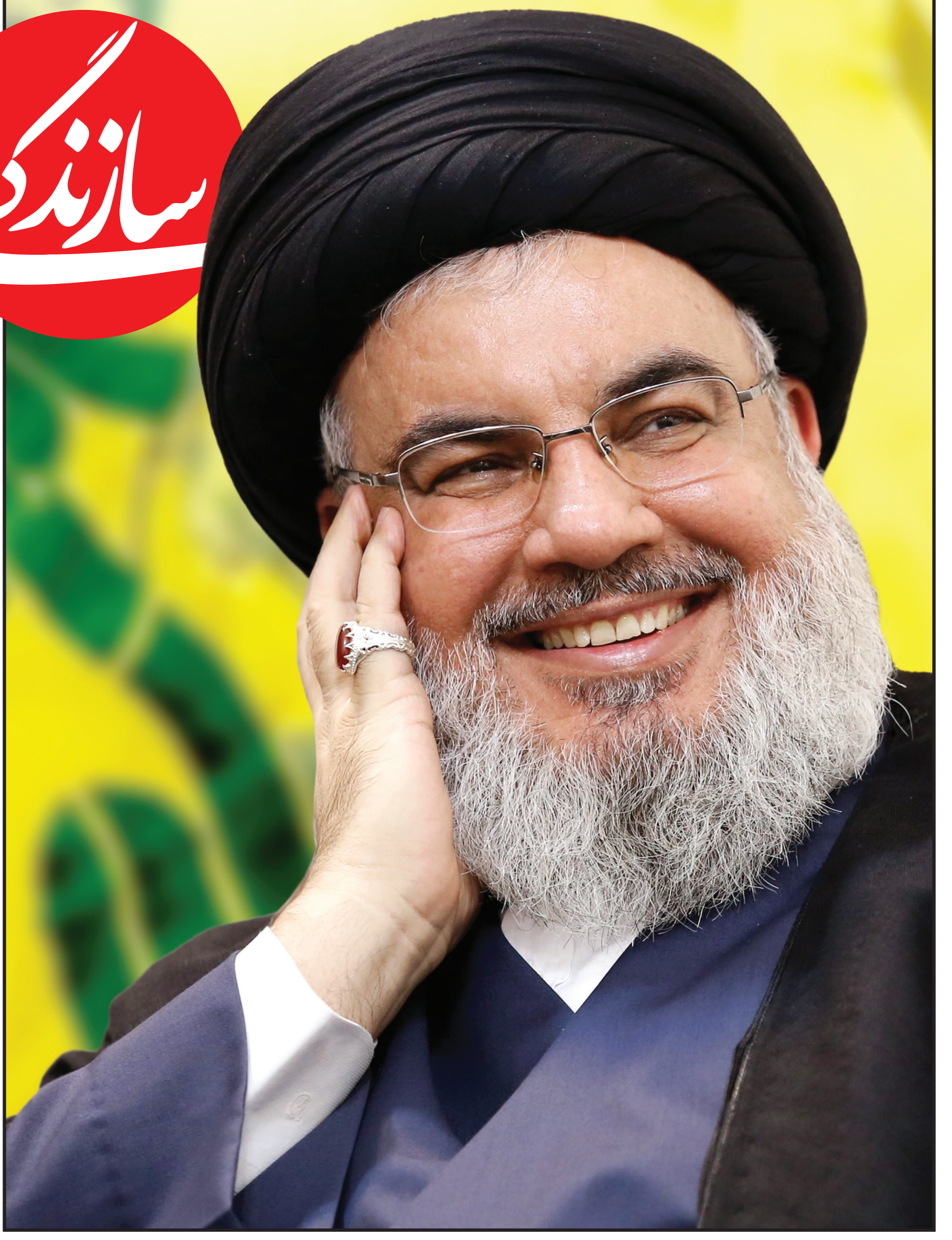

۲ حزب

اطلاعیه حزب کارگزاران سازندگی ایران درباره حمله وحشیانه رژیم صهیونیستی به لبنان و ترور دبیرکل حزب‌الله لبنان

نصرالله زنده است تا حزب‌الله زنده است

زمین و زمان پاسخ به اسرائیل را ایران تعیین می‌کند

یادداشت روز

مقاومت جوانه خواهد زد

تا تشکیل یک کشور فلسطینی این مصائب برای منطقه ادامه خواهد داشت

صادق زیباکلام
استاد دانشگاه

حملات بی‌وقفه اسرائیلی‌ها به جنوب لبنان و عملاً تسلط نظامی‌ای که اسرائیلی‌ها فکر می‌کنند پیدا کرده‌اند، مؤید آن است که دست‌کم در کوتاه‌مدت آنان گمان دارند که از نظر نظامی توانسته‌اند، موفق شوند. منتها دو نکته اساسی به وجود می‌آید:

نخست آنکه فراموش نکنیم که قریب به یک سال است که در هفته آینده وارد نخستین سالگرد هفتم اکتبر خواهیم شد. به عبارت دیگر، قریب به یک سال است که اسرائیلی‌ها درحال جنگ هستند. چنین وضعیتی از ۷۳ سال قبل تا به امروز سابقه نداشته است. یکی از ویژگی‌های اسرائیلی‌ها، ظرف ۷ دهه گذشته، توقف نظامی برق‌آسا علیه دشمنان‌شان بوده است. اما این بار با اینکه اسرائیلی‌ها با یک ارتش منظم روبه‌رو نبودند و عمدتاً با نیروهای حماس در نوار غزه و حزب‌الله در جنوب لبنان مواجه بودند، یک سال است که سرگرم و درگیر عملیات نظامی هستند و نتوانسته‌اند، موفقیت برق‌آسا و همه‌جانبه‌ای را که قبلاً داشته‌اند به دست آورند.

نکته دومی از نکته اول نتیجه‌گیری می‌شود و آن این است که اسرائیلی‌ها کم‌کم وارد مرحله‌ای می‌شوند که جنگ‌های نظامی‌شان دیگر با ارتش‌های کلاسیک نیست. حماس یک ارتش کلاسیک نبوده و نیست. حزب‌الله هم یک ارتش کلاسیک نبوده و نیست. اینها نیروهای مردمی هستند و گیرم که از نظر نظامی اسرائیلی‌ها، موفقیت‌هایی به دست آورده باشند اما آنقدر طول نخواهد کشید که از جایی دیگر شاهد رویش مجدد مقاومت باشیم. چه در لبنان، چه در نوار غزه، یا در مناطق اشغالی. در مناطق اشغالی کرانه‌غربی رود اردن، اسرائیلی‌ها به‌خصوص ظرف دو ماه گذشته قلع‌وقمع وسیعی به عمل آوردند. در گذشته هم در مناطق کرانه‌غربی رود اردن قلع‌وقمع تعیین‌کننده‌ای انجام داده‌اند. اما نه در نوار غزه و نه در کرانه‌غربی رود اردن و نه در لبنان نتوانستند، مقاومت را در حقیقت به طور کامل از بین ببرند.

این بار هم به‌رغم موفقیت‌های اولیه، اما در آینده نزدیک مجدداً مشکلات شروع خواهد شد. واقعیت امر آن است نتیجه‌ای که از یک سال درگیری در لبنان در نوار غزه و ۷۶ سال در کرانه‌غربی رود اردن باید بگیریم این است تا زمانی که تندروهای اسرائیلی با به وجود آمدن کشور فلسطینی مخالفت کنند، مقاومت این است که همچنان ادامه خواهد یافت. سوال این است؛ به فرض که اسرائیلی‌ها امروز به موفقیت نظامی دست پیدا کنند، آیا ۶ ماه یا یک سال دیگر هیچ مقاومتی نخواهد بود؟ خیر، اینطور نیست. مقاومت همیشه جوانه خواهد زد. تاریخ ۷۶ سال گذشته این درس را امروز دیگر بدون تردید به ما می‌دهد که تا زمان به وجود نیامدن یک کشور فلسطینی، این مصائب برای اسرائیلی‌ها و منطقه همچنان ادامه خواهد داشت. به هر حال از ۷ اکتبر۲۰۲۳ تا الان دو نکته اساسی عیان شد:

۱- فلسطین فراموش شدنی نیست. اینکه اسرائیل با کشورهای عربی رابطه برقرار کند و به جنگ‌های این‌چنینی ادامه دهد و به مرور زمان امیدوار باشد که مساله فلسطین به بایگانی سپرده شود، چنین اتفاقی نخواهد افتاد.

۲- امروز بیش از هر زمان دیگری افکار عمومی خواهان تشکیل کشور مستقل فلسطین هستند. موضوعی که صراحتاً دولت آمریکا، بخشی از اسرائیلی‌های میانه‌رو، روسیه، هند، چین و اتحادیه اروپا نیز بر آن پافشاری دارند. حتی آن بخش از جهان عرب که تا دیروز خواستار رابطه با اسرائیلی‌ها بودند هم برای نزدیک شدن به اسرائیل تا مشخص شدن تکلیف فلسطین دست نگه داشته‌اند. بر همین اساس، موضوع به وجود آمدن کشور مستقل فلسطین یکی از نتایج مهم هفتم اکتبر است.

حزب

اطلاعیه حزب کارگزاران سازندگی ایران درباره حمله وحشیانه رژیم صهیونیستی به لبنان و ترور دبیرکل حزب‌الله لبنان

نصرالله زنده است تا حزب‌الله زنده است

زمین و زمان پاسخ به اسرائیل را ایران تعیین می‌کند

به نام خدا
انا لله و انا الیه راجعون

ترور ناجوانمردانه سیدحسن نصرالله، رهبر جنبش حزب‌الله به دست رژیم صهیونیستی و از اتاق فرمان در نیویورک لکه ننگی است که بر دامان نظام و حقوق بین‌الملل نشست و نشان داد که خطرناک‌ترین نوع تروریسم، تروریسم دولتی است. رژیمی که چون هیولایی مست به راست و چپ می‌چرخد و نفرت‌پراکنی می‌کند. بنیامین نتانیاهو جنایتکار که در درون رژیمش دچار بحران ناشی از عملیات توفان‌الاقصی شده است برای بقای خود و رژیمش قربانی می‌طلبد و جنبش مقاومت در فلسطین و لبنان هزینه هزیمت اسرائیل را می‌دهند.

زمان کوتاه تا انتخابات ریاست جمهوری آمریکا برای این رژیم به فرصتی بدل شده است که با بسط جنگ در منطقه همانند همیشه غرب را به پیروی از خود بخواند.

جنگ برای اسرائیل نه فقط تاکتیک یا استراتژی که ایدئولوژی است. بنیان اسرائیل بر جنگ است. اسرائیل کشور نیست، پادگان است. و این لویاتان/ اژدهای رام نشدنی هویتش را با ترور به دست آورده است و با ترور ادامه می‌دهد.

حزب‌الله لبنان اما نه فقط یک حزب سیاسی و نظامی که جنبشی اجتماعی است. سیدحسن نصرالله در تداوم راهی که امام موسی صدر بنیان گذاشت، سازمان اجتماعی شیعیان لبنان است و در فرآیند مشارکت سیاسی این کشور به متحد اهل سنت و مسیحیان مارونی و دیگر اقوام لبنان بدل شد. او جنگ را نه برای جنگ که برای صلح می‌خواست و به رای ملت بها می‌داد. هنر سیدحسن نصرالله، تبدیل نیروی نظامی به نیروی اجتماعی بود و به این علت حتی با ترور او به عنوان رهبری کاریزماتیک، جنبش حزب‌الله متوقف نمی‌شود. ملت لبنان انتقام رهبر جنبش حزب‌الله را خواهد گرفت و دولت لبنان باید از حاکمیت ملی خود دفاع کند. لبنان همواره عمق استراتژیک ایران بوده و وظیفه انسانی، اسلامی و ملی حمایت از استقلال لبنان است. در واکنش به جنایت صهیونیست‌ها باید به چهار گزاره توجه کرد:

۱- فقدان مشروعیت رژیم صهیونیستی و اصرار این رژیم بر تروریسم، فرصتی برای پیگیری کارزار حقوقی در سطح بین‌المللی است.

۲- حمایت دولت‌های آمریکا و انگلیس و اتحادیه اروپا از صهیونیسم و روابط تاریخی روسیه با اسرائیل و سکوت و حتی همراهی اعراب باید به فرصتی برای نهاد دیپلماسی در نبردی دیپلماتیک علیه اسرائیل بدل شود و ایران می‌تواند پیشتاز این راهبرد باشد.

۳- باید با آسیب‌شناسی امنیتی و نظامی، جاسوسان اسرائیل را شناسایی کرد. باید راه نفوذ را بست. اسرائیل دو گروه جاسوس دارد؛ ماموران مخفی که مکان و زمان ترور را تعیین می‌کنند و مزدورانی که در رسانه‌های مخالف ایران به واقع یار پنهان این رژیم هستند و می‌کوشند با گسترش جنگ برای این ضحاک، خوراک فراهم کنند.

۴- با رعایت همه تدابیر امنیتی و نظامی مناسب و متوازن و متناسب با امنیت ملی ایران این جنایت نباید بی‌پاسخ بماند. پاسخ به اسرائیل البته یک راه ندارد و الزاما در جنگ خلاصه نمی‌شود. باید به اسرائیل ضربه کاری امنیتی زد. اسرائیل با جنگ تغذیه و فربه می‌شود. این هیولای انسان‌خوار با خون سیراب می‌شود. باید به همان شیوه جواب اسرائیل را داد که درخور این رژیم است: قاطع، به موقع و موثر. باید امنیت ملی اسرائیل را هدف قرار داد و گنبد امنیتی آن را فرو ریخت.

دفاع و انتقام حق ملت لبنان است که باید در بستری هوشمندانه راهبردی محقق شود. زمین بازی را نباید اسرائیل تعیین کند و همان طور که در پیام رهبری آمده است این وظیفه همه ملت‌های مسلمان است که اسرائیل را تنبیه کنند و همان‌گونه که رئیس جمهور ایران گفته است این ما هستیم که زمان و زمین و شیوه مجازات را تعیین می‌کنیم، نه اسرائیل. راه نصرالله در حزب‌الله ادامه دارد. مقاومت محدود به یک فرد نیست و این نه یک ملت، بلکه همه ملت‌های مسلمان هستند که مقابل اسرائیل ایستاده‌اند. نصرالله زنده است تا حزب‌الله زنده است.

حزب کارگزاران سازندگی ایران
۷ مهر ۱۴۰۳

جامعه جهانی فراموش نخواهد کرد

پزشکیان: جامعه جهانی فراموش نخواهد کرد که فرمان این حمله تروریستی از نیویورک صادر شد و آمریکایی‌ها نمی‌توانند خود را از همدستی با صهیونیست‌ها تبرئه کنند. ما اینگونه آموخته‌ایم که فرماندهی از آن خداست. مسیر الهی هیچ‌گاه بدون فرمانده و رهبر باقی نمی‌ماند و این زمین به بندگان صالح خدا به ارث خواهد رسید. جامعه جهانی فراموش نخواهد کرد که فرمان این حمله تروریستی از نیویورک صادر شد.

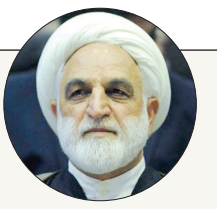

شهادت افتخارآمیز

محسنی‌اژه‌ای: اینجانب این شهادت افتخارآمیز را که پاداش خداوند به جهاد مستمر آن انسان مخلص و فداکار بود به پیشگاه حضرت بقیه‌الله‌الاعظم ارواحنافداه و محضر مبارک مقام معظم رهبری و امت اسلام و ملت لبنان، خانواده معزز ایشان، به جوانان پاک و عزیز مقاومت، به‌ویژه حزب‌الله و ارادتمندان آن شهید بزرگوار تبریک و تسلیت می‌گویم و رحمت و فضل واسعه الهی را برای ایشان مسألت می‌نمایم.

بزرگ‌ترین لکه ننگ تاریخ

قالیباف: رحمت خدا بر آن عالم ربّانی و لعنت و نفرین ابدی تاریخ بر تبهکاران خون‌آشام صهیونیست که دستشان به خون پاک‌ترین بندگان خدا آغشته است و وجود منحوس‌شان بزرگ‌ترین لکهٔ ننگ تاریخ بشریت است. حامیان ددمنش صهیونیست‌ها و در رأس آنها رژیم آمریکا با پشتیبانی همه‌جانبه، تسلیح و حمایت بی‌حد و مرز از این تبهکاران بین‌المللی در تمام خون‌های ریخته شده شریک هستند.

نصرالله ادامه دارد

پیام‌های مهم رهبر انقلاب و واکنش‌های داخلی نسبت به شهادت دبیرکل حزب‌الله لبنان

ظهر روز گذشته رهبر انقلاب درباره قضایای اخیر لبنان پیام مهمی صادر کردند.

متن پیام رهبر انقلاب به این شرح بود:

بسم الله الرحمن الرحیم

کشتار مردم بی‌دفاع در لبنان از سوئی بار دیگر خوی درندگی سگ هارِ صهیونیست را برای همه آشکار کرد و از سوئی کوته‌نظری و سیاست ابلهانه‌ی سران رژیم غاصب را به اثبات رساند. باند ترور حاکم بر رژیم صهیونیست از جنگ جنایتکارانه‌ی یک ساله‌ی خود در غزه درس نگرفتند و نتوانستند بفهمند که کشتار دسته‌جمعی زنان و کودکان و مردم غیرنظامی نمی‌تواند در ساخت مستحکم سازمان مقاومت اثر بگذارد و آن را از پا بیندازد. اکنون همان سیاست حماقت‌آمیز را در لبنان می‌آزمایند. جنایتکاران صهیونیست بدانند که بسیار کوچک‌تر از آنند که به ساخت مستحکم حزب‌الله لبنان صدمه‌ی مهمی وارد کنند. همه‌ی نیروی مقاومت منطقه در کنار حزب‌الله و پشتیبان آن است. سرنوشت این منطقه را نیروهای مقاومت و در رأس آنان حزب‌الله سرافراز رقم خواهد زد. مردم لبنان فراموش نکرده‌اند که در روزگاری، نظامیان رژیم غاصب تا بیروت را زیر چکمه قرار می‌دادند. این حزب‌الله بود که پای آنان را قطع کرد و لبنان را عزیز و سربلند ساخت. امروز هم لبنان به حول و قوه‌ی الهی، دشمن متجاوز و خبیث و روسیاه را پشیمان خواهد کرد. بر همه‌ی مسلمانان فرض است که با امکانات خود در کنار مردم لبنان و حزب‌الله سرافراز بایستند و در رویارویی با رژیم غاصب و ظالم و خبیث آن را یاری کنند.

والسلام علی عباد الله الصالحین
سید علی خامنه‌ای- ۷ مهر ۱۴۰۳

پیام تسلیت رهبر انقلاب به مناسبت شهادت سیدحسن نصرالله رضوان‌الله‌علیه

ساعاتی پس از پیام رهبری، حزب‌الله لبنان با صدور بیانیه‌ای شهادت سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله را تایید کرد.

آیت‌الله خامنه‌ای، رهبر معظم انقلاب اسلامی در پیام دیگری شهادت مجاهد کبیر و پرچمدار مقاومت، حجت‌الاسلام سیدحسن نصرالله را تبریک و تسلیت گفته و به مناسبت شهادت رهبر کم‌نظیر حزب‌الله پنج روز عزای عمومی در کشور اعلام کردند. متن پیام رهبر انقلاب به این شرح است:

بسم الله الرّحمن الرّحیم، انا لله و انا الیه راجعون

ملت عزیز ایران، امت بزرگ اسلامی

مجاهد کبیر، پرچمدار مقاومت در منطقه، عالم با فضیلت دینی و رهبر مدبر سیاسی، جناب سیدحسن نصرالله رضوان‌الله‌علیه در حوادث دیشب لبنان به فیض شهادت نائل آمد و به ملکوت پرواز کرد. سید عزیز مقاومت پاداش ده‌ها سال جهاد فی‌سبیل‌الله و دشواری‌های آن را در خلال یک پیکار مقدس دریافت کرد. درحالی شهید شد که سرگرم طراحی برای دفاع از مردم بی‌پناه ضاحیه بیروت و خانه‌های ویران شده و عزیزان پرپر شده آنان بود، همچنان که ده‌ها سال برای دفاع از مردم ستمدیده فلسطین و شهر و روستای غصب شده و خانه‌های تخریب شده و عزیزان قتل‌عام شده آنان طراحی و تدبیر و جهاد کرده بود. فیض شهادت پس از این همه مجاهدت حق مسلم او بود. دنیای اسلام، شخصیتی با عظمت را؛ و جبهه مقاومت پرچمداری برجسته را و حزب‌الله لبنان رهبری کم‌نظیر را از دست داد، ولی برکات تدبیر و جهاد چند ده ساله او هرگز از دست نخواهد رفت. اساسی که او در لبنان پایه‌گذاری کرد و به دیگر مراکز مقاومت، جهت بخشید، با فقدان او نه‌تنها از میان نخواهد رفت که به برکت خون او و دیگر شهیدان این حادثه استحکام بیشتر خواهد یافت. ضربات جبهه مقاومت بر پیکر فرسوده و رو به زوال رژیم صهیونی، به حول و قوه الهی کوبنده‌تر خواهد شد. ذات پلید رژیم صهیونی در این حادثه به پیروزی دست نیافته است. سید مقاومت، یک شخص نبود، یک راه و یک مکتب بود و این راه همچنان ادامه خواهد یافت. خون شهید سیدعباس موسوی بر زمین نماند، خون شهید سیدحسن هم بر زمین نخواهد ماند. اینجانب به همسر گرامی سید عزیز که پیش از او فرزندش سیدهادی را نیز در راه خدا داده و به فرزندان گرامی‌اش و به خانواده‌های شهیدان این حادثه و به یکایک افراد حزب‌الله و به مردم عزیز و مقامات عالیه لبنان و به سراسر جبهه مقاومت و به مجموع امت اسلامی، شهادت نصرالله بزرگ و یاران شهیدش را تبریک و تسلیت عرض می‌کنم و در ایران اسلامی پنج روز عزای عمومی اعلام می‌نمایم. خداوند آنان را با اولیائش محشور فرماید.

والسلام علی عبادالله الصالحین
سیدعلی خامنه‌ای- ۱۴۰۳/۷/۷

پیام تسلیت آیت‌الله سیستانی

به گزارش خبرگزاری عراق، آیت‌الله سیستانی با صدور بیانیه‌ای شهادت سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان را تسلیت گفت. در این بیانیه آمده است: با تاسف شدید خبر شهادت علامه مجاهد حجت‌الاسلام‌والمسلمین سیدحسن نصرالله و تعدادی از برادران مقاومت شریف لبنان و ده‌ها تن از شهروندان بی‌گناه را در جنایت فاجعه‌بار ارتش دشمن صهیونیستی در ضاحیه بیروت دریافت کردیم. آیت‌الله سیستانی، شهید نصرالله را الگویی کم‌نظیر برای فرماندهی طی دهه‌های اخیر دانسته و تاکید کردند که ایشان نقش برجسته‌ای در پیروزی بر اشغالگران صهیونیستی و آزادی اراضی این کشور همچنین پشتیبانی از عراقی‌ها برای آزادی کشورشان از دست تروریست‌های داعشی داشتند. ایشان همچنین مواضع برجسته‌ای در کمک به ملت مظلوم فلسطین داشت تا اینکه جان گرانبهای خود را در این راه فدا کردند. همچنین آیت‌الله سیستانی در این بیانیه تسلیت خود را به ملت لبنان و دیگر ملت‌های مظلوم در این مصیبت بزرگ را خسارت عظیمی اعلام و از خداوند متعال مسألت کردند تا روح این شهید بزرگوار را در رحمت و رضوان واسعه خود غرق گرداند و ایشان را با اولیای خود، یعنی حضرت محمد(ص) و اهل بیتش محشور گرداند.

پیام‌های تسلیت چهره‌های سیاسی

سیدمحمد خاتمی، رئیس دولت اصلاحات ضمن تسلیت شهادت دبیرکل حزب‌الله لبنان در پیامی ابراز کرد: امید است که این خون‌های پاک که به هر حال سبب بیداری و هوشیاری بیشتر مظلومان می‌شود هر چه زودتر دامن آلوده بانیان، مسببان و مباشران این جنایات را بگیرد و موجبات شکست و رسوایی رژیم جنگ‌طلب اسرائیل و توقف جنگ و جنایت را فراهم کند. سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه دولت چهاردهم نیز این‌طور تسلیت گفت: این اولین بار نیست که رژیم صهیونیستی رهبران و فرماندهان حزب‌الله را به شهادت می‌رساند، ولی شجره طیبه مقاومت از حیات و رشد باز نمی‌ایستد، اکنون باید با وحشت نظاره‌گر تاثیر خون سیدحسن نصرالله بر گسترش بیش‌ازپیش مقاومت باشند.

حسن روحانی، رئیس دولت‌های یازدهم و دوازدهم نیز در پیامی با تسلیت شهادت سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان و جمعی از فرماندهان مقاومت اسلامی در پی حمله وحشیانه اسرائیل به بیروت، تاکید کرد: «قطعاً رژیم اسرائیل دست به یک خطای بزرگ زد و مردم لبنان و حزب‌الله سرافراز، انتقام خون پاک این شهید بزرگوار را خواهند گرفت. گرچه رژیم اسرائیل از این جنایت احساس پیروزی موقت می‌کند اما در خاک مقاومت هزاران نصرالله می‌روید و می‌بالد و نام شهدای خود را زنده و جاوید نگاه خواهد داشت. قدرت مقاومت در اتکا به خواست و توان مردمی، دفاع از آرمان آزادی و استقلال، خودباوری جوانان در ساخت ادوات دفاعی، برخورداری از سلاح شرف و ایمان و پایبندی به اصول اخلاقی و انسانی است که این قدرت بر اشغال، سلطه، تجاوز و تعدی صهیونیست‌ها پیروز خواهد شد».

همچنین در ادامه سیدحسن خمینی در پیامی با بیان اینکه راه نصرالله ادامه دارد، همان‌طور که راه سیدعباس موسوی و کلیه فرماندهان مقاومت تا امروز تداوم داشته است، گفت: «اما درک مختصات دوره جدید از مبارزه با استکبار ضرورت فوری و حیاتی این شهادت‌های عظیم است». چهره‌های دیگری چون اسحاق جهانگیری، محمدرضا عارف، محمد مخبر، علی لاریجانی، محمدجواد ظریف، علی‌اکبر صالحی، محسن رضایی و... نیز در پیام‌هایی جداگانه نسبت به حمله تروریستی رژیم صهیونیستی و شهادت سیدحسن نصرالله واکنش نشان دادند.

ادامه تیتر یک

شهید جاویدالاثر

مقاومت لبنان در ادامه این بیانیه، دستیابی سیدحسن نصرالله به مقام والای شهادت را تبریک گفت و اعلام کرد: «دریافت عالی‌ترین مدال الهی، نشان امام حسین علیه‌السلام، تحقق گرانبهاترین آرزوها و بالاترین درجات ایمانی را به جناب سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان تبریک می‌گوییم. او در حمله صهیونیست‌ها به ضاحیه جنوبی بیروت به‌عنوان یک شهید در راه بیت‌المقدس و فلسطین به همرزمان شهیدش و موکب پاک و مقدس‌شان پیوست». حزب‌الله سپس خطاب به «مجاهدان سرافراز و دلاوران پیروز مقاومت اسلامی» اعلام کرد که «شما امانت آن شهید عزیز هستید، شما برادران او هستید که سپر تسخیرناپذیر او و تاج دلاوری و رستگاری رهبر ما بودید. فرمانده ما، همچنان با اندیشه و روح و خط و رویکرد مقدس خود در میان ماست و شما نیز همچنان در عهد وفاداری و پایبندی به مقاومت و فداکاری تا پیروزی هستید».

نگاهی به زندگینامه دبیرکل حزب‌الله لبنان

بدون‌شک نام سیدحسن نصرالله به عنوان موثرترین چهره مقاومت لبنان ثبت و ضبط خواهد شد؛ چراکه او توانست در طول مدتی که این جریان را رهبری کرد، پیروزی‌های بسیار مهم و ارزشمندی را از حیث سیاسی و میدانی برای حزب‌الله رقم بزند که در حقیقت کم‌نظیر و حتی بی‌نظیر بوده است. دبیرکل حزب‌الله لبنان در ۳۱ آگوست ۱۹۶۰میلادی در محله فقیرنشین کرنتینا در شرق بیروت به دنیا آمد. پدرش «سیدعبدالکریم» و مادرش «نهدیه صفی‌الدین» اهل روستای البازوریه از توابع شهر صور در جنوب لبنان بودند که به بیروت مهاجرت کرده بودند. در برخی منابع گفته شده، وی در بازوریه متولد شده است. سیدحسن دارای سه برادر و پنج خواهر است. سیدحسن نصرالله دوره ابتدایی را در مدرسه خصوصی النجاح در منطقه التربویه گذراند و با آغاز جنگ‌های داخلی لبنان در آوریل ۱۹۷۵م همراه خانواده به روستای بازوریه، زادگاه پدرش منتقل شد و تحصیلات دبیرستان خود را در شهر صور ادامه داد. او در ۱۶ سالگی با تشویق سیدمحمد غروی، امام‌جمعه شهر صور و از دوستان سیدمحمدباقر صدر برای فراگیری علوم دینی به نجف مهاجرت کرد. سیدمحمد طی نامه‌ای سیدحسن را به شهید صدر معرفی کرد.

شهید صدر نیز سیدعباس موسوی را برای نظارت به وضعیت علمی و تامین نیازهای سیدحسن نصرالله گماشت. سیدحسن در سال ۱۹۷۸ میلادی دروس مقدماتی حوزه را به پایان رساند و پس از دو سال اقامت در نجف، به دلیل فشارهای رژیم بعث عراق، به لبنان بازگشت. او با تاسیس مدرسه امام منتظر در سال ۱۹۷۹ میلادی در بعلبک، دروس حوزوی خود را ادامه داد و همزمان به تدریس مشغول شد و نهایتاً در سن ۱۸ سالگی با فاطمه یاسین ازدواج کرد. شهید نصرالله پس از پایان دوره دبیرستان در سال ۱۹۷۵ مسئول جنبش امل در زادگاهش شهرک البازوریه شد و در سال ۱۹۷۹ به عضویت دفتر سیاسی جنبش امل درآمد و نماینده این جنبش در دره بقاع شد. در سال ۱۹۸۲ به همراه گروهی دیگر از روحانیون مبارز از تشکیلات امل جدا شد و حزب‌الله لبنان را تاسیس کردند و تا ۱۹۹۲ میلادی فعالیت‌های خود را در حزب‌الله متمرکز کرد.

وی پس از شهادت سیدعباس موسوی در ۱۶ فوریه ۱۹۹۲م با اجماع اعضای حزب‌الله لبنان در سن ۳۲ سالگی به عنوان دبیرکل آن حزب انتخاب شد. حزب‌الله لبنان در زمان دبیرکلی سیدحسن به پیروزی‌های مهمی دست یافت که مهم‌ترین آن، آزادسازی جنوب لبنان در سال ۲۰۰۰ همچنین جنگ ۳۳ روزه در ۲۰۰۶ میلادی بود. همچنین مبارزه با گروه‌های تروریستی و تکفیری در سال ۲۰۱۷ میلادی هم یکی از اقدامات و عملیات‌های شاخص این جریان تحت رهبری سیدحسن نصرالله به حساب می‌آید. دبیرکل حزب‌الله لبنان در سال‌های مسئولیتش چندین بار ازجمله در سال‌های ۲۰۰۴، ۲۰۰۶ و ۲۰۱۱ میلادی مورد تهدید و ترور ناکام واقع شده بود.

واکنش‌ها به شهادت سیدحسن نصرالله

شهادت دبیرکل حزب‌الله لبنان بدون واکنش نبود. جنبش حماس در بیانیه خود اعلام کرد: «شهادت سیدحسن نصرالله و جمعی از برادران فرمانده وی که در نبرد توفان‌الاقصی و راه قدس و پشتیبانی از ملت فلسطین و مقاومت قهرمان آن در مقابله با دشمن صهیونیستی به شهادت رسیدند به ملت فلسطین، امت عربی و اسلامی و آزادگان جهان تسلیت می‌گوییم و صمیمانه همدردی و همبستگی خود را با ملت برادر لبنان و برادران حزب‌الله و مقاومت اسلامی در لبنان اعلام می‌کنیم». حماس همچنین حمله وحشیانه اسرائیل به ساختمان‌های مسکونی در حاره حریک در ضاحیه جنوبی بیروت را به شدت محکوم کرد و افزود: این یک اقدام تروریستی بزدلانه و جنایت فجیع است که بار دیگر خوی وحشی‌گری و خونخوار بودن این رژیم را ثابت کرد، رژیمی که همه ارزش‌ها، هنجارها و معاهدات بین‌المللی را زیر پا می‌گذارد و آشکارا امنیت و صلح جهانی را در سایه سکوت و ناتوانی بین‌المللی تهدید می‌کند.

جهاد اسلامی هم در بیانیه خود آورده است: «به میراث سیدحسن نصرالله که ده‌ها هزار مجاهد و کادر رهبران را در راه شهادت و فلسطین پرورش داده است، افتخار می‌کنیم و شهادت غیرمنتظره وی نیز در راه حمایت از ملت فلسطین مایه افتخار است. اطمینان داریم که شهادت سیدحسن نصرالله، تنها، قدرت، صلابت و عزم مقاومت در فلسطین، لبنان و کل منطقه را بیشتر خواهد کرد و گروه‌های مقاومت، کاری خواهند کرد که دشمن تاوان جنایتش را بپردازد و دیر یا زود طعم شکست را بچشد».

«ناصر کنعانی»، سخنگوی وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی ایران هم در پی شهادت سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان در حمله تروریستی رژیم صهیونیستی به ضاحیه جنوبی بیروت در شبکه اجتماعی ایکس نوشت: «راه پرافتخار سید مقاومت جناب سیدحسن نصرالله ادامه خواهد یافت و آرمان مقدس او در آزادی قدس شریف محقق خواهد شد، انشاءالله».

علاوه بر دولت یمن، محمد عبدالسلام، سخنگوی جنبش انصارالله یمن هم با انتشار بیانیه‌ای گفت: «امت با سیدنصرالله تنها پیروزی‌ها را تجربه کرد و زندگی جهادی او با پیروزی شهادت به پایان رسید. درد فراق پس از او هرگز همبستگی برادرانش را تضعیف نخواهد کرد بلکه به آنها قدرت می‌بخشد تا به راه مقاومت و جهاد تا پیروزی نهایی ادامه دهند و این وعده خداوند است و خداوند هرگز خلف وعده نخواهد کرد».

عمار حکیم، رهبر جریان حکمت ملی عراق هم با اشاره به شهادت دبیرکل حزب‌الله لبنان گفت: «راه مقاومت تا تحقق پیروزی یا شهادت ادامه خواهد داشت چراکه این پروژه در رویکرد مقاومانی که جان خود را نذر کردند، قوی‌تر، مهم‌تر و بزرگ‌تر از شخصیت‌ها و سران است و شهادت این عالم جلیل و مجاهد بزرگ، خسارتی جبران نشدنی است».

مقتدی صدر، رهبر جریان صدر عراق هم در حساب کاربری خود در پلتفرم ایکس» شهادت سیدحسن نصرالله، دبیرکل حزب‌الله لبنان را تسلیت گفت و نوشت: «خداحافظ رفیق راه مقاومت و بازدارندگی، از خداوند متعال می‌خواهیم که همه نیروهای مقاومت را نزد رسول‌الله و جانشین ایشان امام علی(ع) و نوه ایشان امام حسین، صلوات‌الله علیهم جمع کند».

سعد الحریری، نخست‌وزیر سابق لبنان هم در این خصوص گفت که ترور سیدحسن نصرالله، لبنان و منطقه را وارد یک چرخه جدید از خشونت کرد و آن را باید یک عمل بزدلانه دانست.

محمدشیاع السودانی، نخست‌وزیر عراق هم ضمن تسلیت شهادت دبیرکل حزب‌الله لبنان بار دیگر هشدار داد و بر مسئولیت سازمان‌های بین‌المللی و کشورهای بزرگ عضو دائم شورای امنیت و همه کشورهای دارای نفوذ در منطقه در بازدارندگی حملات و توقف کشتار جمعی و نژادی فلسطینیان و مردم لبنان توسط اسرائیل تاکید کرد.

این درحالی است که در پی شهادت دبیرکل حزب‌الله لبنان توسط اسرائیل، دولت سوریه، عراق و یمن ۳ روز عزای عمومی اعلام کردند. همچنین رجب طیب اردوغان، رئیس‌جمهور ترکیه در پیامی در ایکس نوشت: «لبنان و ملت این کشور به هدف جدید سیاست نسل‌کشی، اشغالگری و جنگ اسرائیل بدل شده‌اند، سیاستی که از ۷ اکتبر ۲۰۲۴ در پیش گرفته است. ما از تمام ساختارها و سازمان‌های حقوق بشری که وظیفه آنها تضمین صلح، ثبات و امنیت جهانی است به‌ویژه شورای امنیت سازمان ملل متحد می‌خواهیم که سریعاً اقدام کنند».

هراس در اسرائیل

حملات اسرائیل به جنوب لبنان و حتی بیروت که طی روزهای گذشته به اوج خود رسیده بود و حتی شنبه هم ادامه داشت از یک حیث برای مقابله با حزب‌الله لبنان اعلام شد اما موضوع مهم این است که این اقدام حاکمیت و تمامیت ارضی لبنان را نقض کرده است. اینکه حزب‌الله لبنان در مقابل، اقدام به ارائه پاسخ متناسب به اسرائیل کرده و خواهد کرد، یک موضوع بدیهی است اما مساله اینجاست که اصرار اسرائیل بر ادامه این حملات و کشتارهای گسترده غیرنظامیان حالا باعث شده تا مقامات نظامی و سیاسی اسرائیل هم احساس خطر و ترس دوچندان را احساس کنند.

در این راستا، نداو شوشانی، سخنگوی ارتش اسرائیل در این خصوص اعلام کرده که «به راحتی می‌توان حدس زد که حزب‌الله تلافی خواهد کرد و اسرائیل در حالت آماده‌باش قرار دارد». همچنین دفتر وزیر جنگ اسرائیل هم در بیانیه‌ای اعلام کرد، یوآو گالانت به همراه هرتزی هالوی، رئیس ستاد ارتش و دیوید بارنیا، رئیس موساد در اتاق فرماندهی زیرزمینی ارتش اسرائیل در مقر نظامی، نشست اضطراری برگزار کرده و وضعیت کلی را ارزیابی کردند. از سوی دیگر هرتزی هالوی، رئیس ستاد ارتش اسرائیل هم اعلام کرده که «به‌تازگی یک ارزیابی از وضعیت را تکمیل و برنامه‌ها برای فرماندهی شمال را تایید کردم. روزهای پرچالشی در انتظارمان است. ارتش اسرائیل در اوج آمادگی، هم از نظر دفاعی و هم از نظر تهاجمی در تمامی جبهه‌ها قرار دارد و آماده پیشامدهای بعدی است».

از سوی دیگر، وزارت امور خارجه فرانسه عصر شنبه در یک بیانیه اعلام کرد که پاریس با مقام‌های لبنانی و شرکای فرانسه در منطقه در تماس بوده تا جلوی بی‌ثباتی یا تحریک درگیری را بگیرد. پیام‌های مرتبط برای همه طرف‌ها فرستاده شده‌اند.

دیدگاه: گزارش خارجی

هریس همچنان پیشتاز

چرا نظرسنجی‌ها نامزد دموکرات‌ها را پیروز انتخابات نوامبر می‌دانند؟

فقط ۶ هفته تا پنجم نوامبر (۱۵ آبان) یعنی روز رای‌گیری در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا باقی مانده است و پایگاه‌های افکارسنجی آمریکایی به نشر فزاینده نتایج نظرسنجی‌های خود روی آورده‌اند. در همین راستا نشریه آمریکایی «هیل» در گزارشی تحلیلی با استناد به نظرسنجی‌های برگزار شده در هفته گذشته به تحلیل چشم‌انداز انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا پرداخت. طبق گزارش هیل، «کامالا هریس»، معاون رئیس‌جمهور آمریکا و نامزد حزب دموکرات در انتخابات ریاست‌جمهوری این کشور در مقابل «دونالد ترامپ»، نامزد حزب جمهوری‌خواه از موقعیت بهتری برخوردار است. به طوری که طبق نظرسنجی اخیر این نشریه و پایگاه افکارسنجی «دیسیشن دسک اچ‌کیو»، هریس با اختلافی ۴.۲ درصدی در انتخابات ریاست‌جمهوری پیروز است. از طرفی، دیسیشن دسک اچ‌کیو در گزارش خود اعلام کرد که به احتمال ۵۶ درصد نامزد حزب دموکرات در انتخابات ماه نوامبر پیروز خواهد شد.

هیل همچنین با استناد به پیشتازی هریس در سطح ملی نوشت: «با وجود نقاط ضعف نظرسنجی‌های سطح ملی این نظرسنجی‌های می‌توانند، چشم‌انداز مناسبی از روند انتخابات و نظر رای‌دهندگان احتمالی ارائه دهند و در چنین شرایطی نظرسنجی‌ها حاکی از شرایط مناسب هریس است». از طرفی طبق نظرسنجی اخیر «رویترز» و «ایپسوس» هریس با اختلافی ۶ درصدی و طبق نظرسنجی «سی‌بی‌اس‌نیوز» و «یوگاو»، او با اختلافی ۴ درصدی در سطح ملی پیشتاز است.

هیل در ادامه گزارش کرد که هریس درحال افزایش محبوبیت خود در دو ایالت کلیدی حامی ترامپ است. پیشتازی گسترده نامزد حزب جمهوری‌خواه در ۲ ایالت «کارولینای شمالی» و «جورجیا» به اختلافی اندک تبدیل شده است. از طرفی طبق نظرسنجی هفته گذشته «بلومبرگ» و «مورنینگ کانسالت»، هریس با اختلافی ۲ درصدی در کارولینای شمالی پیشتاز و در ایالت جورجیا با ترامپ در رقابتی تنگاتنگ قرار دارد. به باور نشریه هیل، پیشتازی هریس یا حتی رقابت تنگاتنگ او در این ۲ ایالت، راه نامزد حزب دموکرات برای رسیدن به کاخ سفید را هموارتر خواهد کرد. با توجه به نزدیک‌تر شدن به روز رأی‌گیری در انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا، فضای سیاسی ایالت‌های کلیدی موسوم به ایالت‌های «میدان نبرد» مشخص‌تر شده است. در چنین شرایطی، ترامپ فقط در ایالت «آریزونا» از پیشتازی قابل اطمینانی برخوردار است. از طرفی، هریس در ایالت «پنسیلوانیا» که با ۱۹ رأی کالج الکترال خود به مهم‌ترین ایالت تعیین‌کننده سرنوشت انتخابات ریاست‌جمهوری آمریکا تبدیل شده، پیشتاز است. طبق نظرسنجی هیل و دیسیشن دسک اچ‌کیو، نامزد حزب دموکرات با اختلاف اندک ۱.۳ درصدی در ایالت پنسیلوانیا پیشتاز است. از سویی دیگر گزارش‌های منتشر شده از سوی رسانه‌های آمریکایی، حاکی از کاهش پیشتازی قبلی ترامپ در حوزه اقتصاد است.

طبق گزارش تحلیل نشریه آمریکایی «واشنگتن‌پست» که در هفته جاری منتشر شد از زمان حضور «جو بایدن» رئیس‌جمهور آمریکا و نامزد اولیه حزب دموکرات در رقابت‌های انتخاباتی تاکنون، میانگین برتری ترامپ در حوزه اقتصاد و میزان اعتماد شهروندان آمریکا به توانمندی هر نامزد برای مدیریت اقتصاد این کشور به نصف کاهش یافته و پیشتازی او از ۱۲ درصد به ۶ درصد کاهش یافته است. با توجه به اینکه اقتصاد به طور کلی به‌عنوان مهم‌ترین موضوع رای‌دهندگان رتبه‌بندی می‌شود، تغییر قابل توجهی است. از سوی دیگر بسیاری از تحلیلگران معتقدند که ترامپ هم در شرایط فعلی حتی اگر پیروز انتخابات شود هم با مشکلات زیادی در عرصه داخلی و خارجی روبه‌رو خواهد شد که یکی از آنها دوقطبی‌های ایجاد شده در عرصه فرهنگی و اجتماعی است که می‌تواند به یک چالش فراحزبی و ملی تبدیل شود و البته که مساله مهاجران هم در همین راستا تحلیل می‌شود.

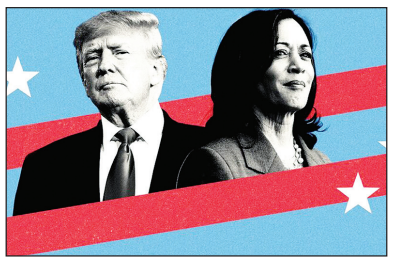

دریچه: تحلیل عادات

دموکرات یا مستبد

کدام روش تربیتی مفید است؟

حسن محرابی
پژوهش‌گر

رفتار افراد در بزرگ‌سالی و نوع عملکرد آن‌ها در اجتماع به عوامل متعددی بستگی دارد اما یکی از مهم‌ترین عوامل شکل بخشیدن به نوع رفتار فرد؛ نوع تربیت و آموزش‌هایی است که دیده است. به عنوان نمونه اگر کسی در محیط کارش یا اصولاً هنگام حضور در اجتماع رفتارش خشن و مستبدانه باشد، یقیناً این عملکردش نتیجهٔ برخورد والدینش، رفتارهای نامناسب آن‌ها و نیز سیستم آموزشی نادرست است.

امروزه کارشناسان کاملاً بر این باورند که سبک‌های تربیتی والدین تأثیر بسزایی در رشد فردی دارد. این سبک‌ها (مقتدرانه، دموکراتیک وسهل‌گیرانه) می‌توانند با عواطف و مهارت‌های اجتماعی در سطح فردی مرتبط باشند.

سبک دموکراتیک با نمایش آشکار محبت والدین، ارائهٔ توضیحات، ابراز نگرانی برای نیازهای کودکان، ترویج رفتارهای مطلوب، توصیه و برقراری ارتباط آشکار مشخص می‌شود. این خانواده‌ها تحت‌نظر یک محیط دموکراتیک و متکی به گرمای عاطفی هستند. در نتیجه، کودکان تمایل به توسعه مهارت‌های اجتماعی خوب، خودکنترلی، ابتکار، انگیزه، عزت نفس، روحیه خوب و واقع‌بینانه دارند و به‌طور کلی با روحیهٔ شاد، خودجوش، قابل اعتماد، متعهد (نوع‌دوستی، همبستگی)، اجتماعی، چه در داخل و چه در خارج از خانواده، مستعد دست‌یابی به موفقیت هستند و بعید است که باعث بروز رفتار خشن و نابهنجار شوند. اما سبک مقتدرانه با قوانین دقیق و سفت و سخت، اولویت دادن به تنبیه بر تحسین، سرزنش کودکان به خاطر اشتباهات، ارتباط بسته و یک طرفه (بدون گفت‌وگو)، اظهار مکرر اقتدار والدین و محیط خودکامه در نهایت وقتی فرد وارد اجتماع می‌شود استقلال و اعتماد به نفس کمی دارد، مهارت‌های اجتماعی ضعیفی دارد، خلاقیت پایینی دارد و در نهایت مستعد پرخاشگری است. در فرزندپروری(و اصولاً آموزش) مستبدانه؛ والدین تمایل دارند که یک حالت ارتباطی یک طرفه داشته باشند. در این روش، والدین قوانین سخت‌گیرانه‌ای تعیین می‌کنند که کودک از آنها تبعیت کند، فضایی برای مذاکره از سوی کودک وجود ندارد و قوانین معمولاً توضیح داده نمی‌شوند. آنها از فرزندان خود انتظار دارند که این استانداردها را رعایت کنند در حالی که هیچ خطایی مرتکب نمی‌شوند و در مرحلهٔ بعدی اشتباهات معمولاً منجر به تنبیه می‌شوند. والدین مستبد معمولاً کمتر به فکر تربیت هستند و انتظارات زیادی از کودک با انعطاف‌پذیری محدود دارند. این سبک فرزندپروری می‌تواند منجر به شکل‌گیری شخصیت کودکانی شود که سطوح بالاتری از پرخاش‌گری دارند اما ممکن است خجالتی بوده، از نظر اجتماعی ناتوان و قادر به تصمیم‌گیری برای خود نباشند. ضمناً این پرخاش‌گری می‌تواند کنترل نشده، باقی بماند زیرا آن‌ها در مدیریت خشم مشکل دارند چراکه راهنمایی مناسبی به آن‌ها ارائه نشده است. قوانین سخت‌گیرانه و تنبیه‌های والدین اغلب بر کودک تأثیر می‌گذارد که با بزرگ‌تر شدن، علیه شخصیت‌های اقتدارگرا شورش کند. در فرزندپروری مقتدرانه والدین معمولاً با فرزندان خود رابطهٔ صمیمانه و محبت‌آمیزی برقرار نمی‌کنند اما والدین دموکرات دستورالعمل‌های روشنی برای انتظارات خود دارند و دلایل خود را در ارتباط با اقدامات احتمالاً انضباطی را نیز توضیح می‌دهند. در چنین وضعیتی، نه تنها کودکان می‌توانند در اهداف و انتظارات خود نقش داشته باشند بلکه سطوح ارتباطی مکرر و مناسبی نیز بین والدین و فرزندشان وجود دارد. به طور کلی، این سبک فرزندپروری منجر به سالم‌ترین نتایج برای کودکان می‌شود اما نیاز به صبر و تلاش زیادی از سوی طرفین دارد. یک نکته جالب در مورد کودکانی که در محیط دموکرات تربیت شده‌اند آن است که آن‌ها می‌توانند احساسات منفی خود را به طور مؤثرتری مدیریت کنند که منجر به نتایج اجتماعی بهتر و سلامت عاطفی می‌شود. از آنجایی که این والدین نیز استقلال را تشویق می‌کنند، فرزندان‌شان یاد خواهند گرفت که به تنهایی قادر به رسیدن به اهداف هستند. این موضوع باعث می‌شود، کودکان خودشان مسائل را کشف کنند و نیز با عزت نفس بسیار بالاتری رشد کرده و برای جامعه مفید واقع شوند.

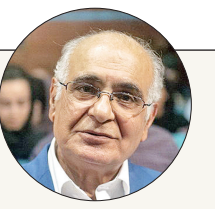

خانه قصه مرادی کرمانی

خانهٔ هوشنگ مرادی‌کرمانی در مزایده‌ای از سوی شهرداری تهران به یک احیاگر بناهای تاریخی واگذار شد تا درهای این خانه با عنوان «خانه قصه» به روی مردم باز شود. مرادی کرمانی گفته بود: «چکیده نویسندگی من در این خانه است. من در این‌جا ازدواج کردم و بچه‌دار شدم. ۸۰ درصد از کارهایم در این خانه بوده و «قصه‌های مجید» که معروف‌ترین‌شان است در این خانه نوشته شده است.»

نشست ادبی مردان طبس

نشست ادبی «مردان طبس» شام‌گاه چهارشنبه ۴ مهر در سوگ قربانیان معدن زغال سنگ شهر طبس با حضور جمعی از اهالی شعر و ادب حوزهٔ ایران فرهنگی با مدیریت علیرضا قزوه و اجرای سیدمسعود علوی‌تبار به میزبانی گروه بین‌المللی هندیران برگزار شد. در این برنامه شاعرانی چون امیر عاملی، ایرج قنبری، محمد عشرت صغیر، ابراهیم قبله آرباطان، نغمه مستشار نظامی، میترا ملک‌محمدی، آسیه مرادپور و... حضور داشتند.

تغییرناپذیری سنت الهی

علی‌اکبر رشاد: جنگ بین حق و باطل هرگز متوقف نخواهد شد و سنت الهی بر آن است که هیچ‌گاه جبههٔ حق در بلندمدت شکست نمی‌خورد هر چند اگر رخدادهای تلخی برای آن رخ دهد، سنت الهی تغییرناپذیر است. اگر آمریکا در میدان نباشد، اسرائیل یک روز دوام ندارد. اشغال‌گران صهیونیست ملیت ندارند. افرادی تطمیع شده و ترسو هستند که با اندک ناملایمات آن‌جا را ترک می‌کنند.

سید عزیز

زندگی‌نامهٔ خودگفتهٔ سیدحسن نصرالله دبیرکل شهید حزب‌الله لبنان و سیدالشهدای مقاومت

کتاب «سید عزیز»، حاصل ساعت‌ها گفت‌وگوی اختصاصی حمید داودآبادی با سیدالشهدای مقاومت و دبیرکل حزب‌الله لبنان در سال ۱۳۷۷ است که در آن سیدحسن نصرالله، زوایای ناگفتهٔ زندگی خود را بازگو کرده است. بسیاری از خاطرات و گفته‌های منتشر شده در این کتاب برای اولین بار است که ذکر می‌شوند. پیاده کردن نوارهای ضبط شده از سیدحسن نصرالله و ترجمهٔ متون از عربی به فارسی بر عهدهٔ علیرضا موحدی بوده است. «سید عزیز» نام این کتاب، از تقریظ رهبر انقلاب بر نسخهٔ قبل از چاپ آن گرفته شده است که ایشان نوشته‌اند: «هر چیزی که مایهٔ شناخت و تکریم بیشتر آن سید عزیز شود، خوب و برای من مطلوب است.»

نویسنده در مقدمهٔ کتاب آورده است: «اولین بار، در تابستان ۱۳۶۲ در سفری به لبنان با حجت‌الاسلام والمسلمین سیدحسن نصرالله آشنا شدم. همان ایام به دلیل شباهت چهره و خلق‌وخو، بچه‌های ایرانی- و لبنانی به تبعیت از آنان- وی را خامنه‌ای کوچک می‌خواندند. بهار ۱۳۷۴ توفیقی دست داد تا پس از ۱۲ سال، مجدداً سیدحسن نصرالله را در بیروت ملاقات کنم. در دو جلسه در مجموع حدود ۶ ساعت، خاطرات سیدحسن را ضبط ویدئویی کردم. در این کتاب با اوضاع، احوال و روحیات شخصی سیدحسن نصرالله که ذکر و یادآوری آن‌ها برای خود وی جالب و جذاب بود، آشنا می‌شوید. کسی که بر خلاف بسیاری از رهبران سازمان‌های به اصطلاح مبارز، مسئولیت و دبیرکلی را نه برای کسب پست مقام و مال که برای خدمت خالصانه‌تر می‌داند تا آن جایی که از اعزام فرزند دلبند خود به جبهه‌های نبرد علیه اشغال‌گران، ابایی ندارد و بر شهادت جگرگوشهٔ خود افتخار می‌کند.»

سیحسن نصرالله ۸ ربیع‌الاول ۱۳۸۰ در خانواده‌ای از شیعیان لبنان به دنیا آمد و تحصیلاتش را در صور به پایان رساند. او مدتی به جنبش امل پیوست و پس از آن به حوزهٔ علمیه‌ای در بعلبک رفت. بعدها در مدرسهٔ امل به تحصیل و تدریس پرداخت. او دربارهٔ تحصیلات مذهبی‌اش و موانع آن گفته: «پدر و مادرم با ورود من به حوزه موافق نبودند. مادرم به روحانیت خوش‌بین نبود. تا آن روز، جریان پدر بزرگم (پدرِ مادرم) را نمی‌دانستم که روحانی بوده و عمّامه را کنار گذاشته است! البته دلیل آن، تنها مسایل خانوادگی بود و نه از روی قصدی خاص یا از نظر سیاسی یا چیز دیگر... تلاش من برای راضی کردن پدر و مادرم به نتیجه نرسید و آن‌ها تن به طلبگی من نمی‌دادند و من مجبور شدم نقشه‌ای بکشم. به آنان گفتم: در لبنان شغل چندانی وجود ندارد و اوضاع خوب نیست. اگر این جا بمانم، جنبش امل مرا برای جنگ می‌برد ولی اگر به نجف بروم در دبیرستان درس می‌خوانم و در کنار آن هم درس طلبگی می‌خوانم و بعد از تمام کردن دبیرستان وارد دانشگاه بغداد می‌شوم و در دورهٔ دکتری متخصص می‌شوم. و این شد که پدر و مادرم با رفتن من به عراق موافقت کردند.»

نصرالله پس از تهاجم ۱۹۸۲ اسرائیل به لبنان به حزب‌الله پیوست و بعد از گذراندن دروس حوزوی در ایران، پس از ترور سیدعباس موسوی در سال ۱۹۹۲ به لبنان بازگشت و رهبر حزب‌الله شد. سرفصل‌های کتاب «سید عزیز عبارتند از: خانواده من، آغاز فعالیت سیاسی، ما و جنگ داخلی، عشقم طلبگی بود، اولین منبر، می‌خواهم طلبه شوم، راهی نجف شدم، لباس روحانیت، شهریه طلبگی، سخت‌گیری و بازگشت به لبنان، تأسیس حوزه در بعلبک، کتاب‌هایی که خواندم، ماجرای شیرین ازدواجم، فرزندان خوبم، بازداشت در ایران!، فعالیت سیاسی، سفر به قم، ورود به سپاه لبنان، در بیروت، دوباره قم، بازگشت به لبنان، برادرم حسین، پذیرش مسئولیت، دبیرکلی حزب‌الله، حضور در جبهه، خودرویی که سفیر مرگ بود، آشنایی با امام، امام شد مقتدای من، دیدار با سید قائد، فوت امام، حملهٔ اسرائیل به لبنان، جدایی از امل، ورود به سپاه، تشکیل حزب‌الله، شورای اول، شورای دوم، شورای سوم و ورود من، شورای چهارم و امامت سیدقائد، شورای پنجم و جدایی شیخ صبحی، شورای ششم، شورای هفتم، استاد عزیزم سیدعباس موسوی، شهید شیخ راغب حرب، حزب‌الله و علامه فضل‌الله، من پدر شهید شدم، عملیات‌های شهادت‌طلبانه، عملیات شهید ابوزینب، عملیات مدرسهٔ شجره، عملیات شهید الحی، عملیات شهید صلاح غندور، عملیات دیگر، بلال اخرس و حسین انیس ایوب، مشارکت احزاب دیگر در عملیات‌ها، گزینش شهادت‌طلبان، نامه‌ای برای شهادت، حسرت شهادت. در بخش پی‌نوشت هم خاطرهٔ سه دیدار، شهادت سیدهادی نصرالله، وصیت‌نامهٔ سیدهادی نصرالله و نقش مصاحبه در تاریخ شفاهی روایت می‌شود. در پایان کتاب عکس‌هایی از کودکی تا بزرگ‌سالی سیدحسن نصرالله در لباس‌ها و موقعیت‌های گوناگون مشاهده می‌شود.

سیدحسن نصرالله در بخشی از خاطراتش به چگونگی مواجهه با اشغال‌گری صهیونیست‌ها و موفقیت عملیات‌های استشهای اشاره می‌کند و می‌گوید: «از زمان اشغال لبنان توسط صهیونیست‌ها در سال ۱۹۸۲ (که هم‌زمان شد با تشکیل حزب‌الله) تا سال ۲۰۰۰، رزمندگان مقاومت اسالیب مختلفی را برای ایستادگی در مقابل اشغال‌گران برگزیدند که یکی از مؤثرترین آن‌ها عملیات‌های استشهادی بود که در نهایت هم موجب فرار بدون قید و شرط صهیونیست‌ها از لبنان در سال ۲۰۰۰ شد. گرچه تمامی عملیات‌های مقاومت، قهرمانانه و جالب بود ولی در برخی از آن‌ها مسائلی رخ می‌داد که بسیار جالب‌تر می‌شد. در این بین می‌توان به عملیات موسوم به عملیات «الشهید الحی» یا «شهید زنده» اشاره کرد.» سیدحسین نصرالله ماجرای این عملیات را در خاطره‌ای این کتاب روایت کرده و گفته: «عملیات شهید الحی یا شهید زنده، نوعی عملیات استشهادی بود. او هم مثل دیگر شهادت‌طلبان، مقابل دوربین وصیت‌نامه خود را خواند. آمد و با من خداحافظی کرد و خیلی با هم صحبت کردیم. از این برادر خواسته شد که در منطقه‌ای خیلی عمقی در مرز لبنان و فلسطین در داخل منطقه اشغالی، تعدادی بمب بزرگ بر سر راه کاروان صهیونیست‌ها کار بگذارد، سپس در نزدیک همان منطقه منتظر بنشیند و اقدام به انفجار بمب‌ها با بی‌سیم کند. بعد از اینکه بمب‌ها را منفجر کرد، در حالی که خیلی خوب به سلاح، بمب و مواد منفجره مسلح بوده به تنهایی به کاروان حمله ببرد و با هر کس که زنده مانده است، بجنگد و همهٔ آن‌ها را بکشد. وقتی کاروان آمد، او بمب‌ها را منفجر کرد و تعدادی از صهیونیست‌ها را کشت. سپس بر سرشان فرود آمد تا با آن‌ها درگیر شود. به همهٔ ماشین‌ها شلیک می‌کرد اما صهیونیست‌ها به کوه‌ها گریخته بودند و او تنها مانده بود و کسی را پیدا نکرده بود تا خودش را بین آن‌ها منفجر کند یا به آن‌ها تیراندازی کند! او سالم برگشت. به او گفتم: چرا زنده برگشتی؟ گفت: کسی را پیدا نکردم که مرا بکشد، خب برگشتم به مواضع خودمان.»

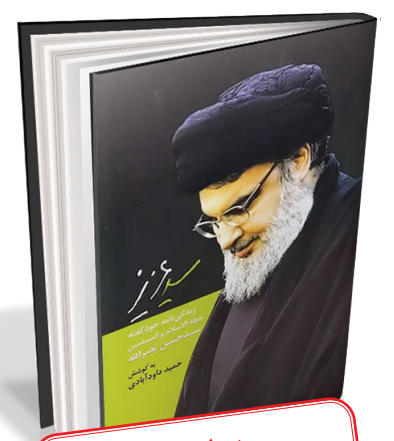

سید عزیز
زندگی‌نامهٔ خودگفتهٔ سیدحسن نصرالله
دبیرکل حزب‌الله لبنان/ حمید داودآبادی
انتشارات یا زهرا/ ۱۷۶ صفحه/ ۵۵ هزار تومان

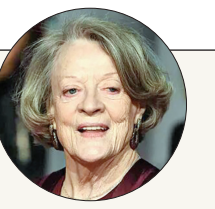

درگذشت مادربزرگ دانتون ابی

مگی اسمیت، بازیگر بریتانیایی صحنه نمایش، تلویزیون و سینما که در سریال‌هایی چون «دانتون ابی» و فیلم‌های «هری پاتر» بازی کرده بود و ۲ جایزه اسکار، ۳ جایزه امی و تعداد بی‌شماری جوایز صحنه نمایش را در کارنامه داشت روز جمعه در سن ۸۹ سالگی در لندن درگذشت. این بازیگر اواخر دهه ۷۰ زندگی‌اش به لطف بازی در سریال «دانتون ابی» به چهره شناخته‌شده‌ای بدل شد.

تجلیل از دنی ویلنوو

موسسه فیلم و رسانه گاتهام در سی‌وچهارمین دوره مراسم سالانه جوایز گاتهام از دنی ویلنوو برای «تلماسه: قسمت دوم» با جایزه بهترین کارگردان گاتهام تجلیل خواهد کرد. جوایز گاتهام برای قدردانی از استعدادهای رویایی که به برخی از محبوب‌ترین فیلم‌های مخاطب جان بخشیده‌اند، اهدا می‌شود. این سازمان اعلام کرد که با ادای احترام به ویلنوو و جهان‌سازی و داستان‌سرایی چشمگیر وی در ساخت این فیلم احترام می‌گذارد.

اختصاص سالن سینما به کودکان

۵ مهرماه همزمان با افتتاحیه اکران انیمیشن «ببعی قهرمان» در پردیس سینمایی باغ کتاب، سالنی به کودکان و نوجوانان اختصاص پیدا کرد. این سالن در طول سال فقط آثار مرتبط با این رده سنی را اکران خواهد کرد. همچنین تعداد ۲ هزار و ۳۲۲ بلیت برای این فیلم فروخته شد که این آمار بیشترین تعداد مخاطب در طول ادوار فعالیت این پردیس سینمایی در یک روز محسوب می‌شود.

عملیات رسانه‌ای برای خبر هولناک

تغییر همزمان برنامه‌های تلویزیون، نشان از وقوع اتفاقی تلخ داشت

بلافاصله پس از حمله وحشیانه رژیم صهیونیستی به منطقه ضاحیه در بیروت، در حالی که تازه اخبار این تهاجم از بخش‌های خبری روی آنتن رفته بود، برنامه‌های عادی شبکه‌های مختلف قطع و شبکه‌های تلویزیونی اقدام به پخش برنامه‌هایی زنده در جهت پوشش این رخداد کردند. شدت انفجارها به حدی بود که تا ساعت‌ها پس از این حمله در تصاویر زنده‌ای که از شبکه خبر پخش می‌شد، دود و غبار ناشی از این حملات در آسمان ضاحیه به چشم می‌خورد. تغییر ناگهانی برنامه‌های تلویزیون، خبر از اتفاقی مهم می‌داد و با اینکه هیچ اخبار تایید شده‌ای درباره شهادت سران حزب‌الله وجود نداشت و تنها رسانه‌های صهیونیستی، گمانه‌زنی‌هایی را مطرح می‌کردند اما همین تغییر برنامه‌ها نشان از این داشت که اخبار مهم و تلخی در پیش است. رسانه‌های داخلی و خارجی مدام اخبار ضدونقیضی را منتشر می‌کردند که هیچ یک از آنها تایید نمی‌شد اما در گروه‌ها و کانال‌های فضای مجازی، بحث بر سر افرادی که به شهادت رسیدند، بالا گرفته بود. اخباری که در این فضا منتشر می‌شد، بیشتر حول شهادت سیدحسن نصرالله و دیگر مقامات ارشد جبهه مقاومت بود و در لابه‌لای این اخبار به شهادت سرداران ایرانی حاضر در لبنان هم اشاره می‌شد.

در واقع حجم این اخبار به اندازه‌ای بود که انفجارهای ضاحیه و میزان خرابی و آوار ناشی از این انفجارها تحت‌الشعاع اخبار تایید نشده، قرار گرفته بود. از سوی دیگر رژیم صهیونیستی هشدار داده بود که به این منطقه دوباره حمله خواهد کرد و اهدافی را هم برای خود مشخص کرده بود. این واکنش تا اندازه‌ای نشان از این داشت که صهیونیست‌ها به اهدافی که مدنظرشان بوده، دست پیدا نکردند و همین مایه امیدواری بود تا اخباری که درباره شهادت دبیرکل حزب‌الله لبنان منتشر می‌کنند، واقعیت نداشته و آنها هنوز به دنبال به شهادت رساندن او و همراهانش هستند.

اما اینکه بسیاری از شبکه‌های تلویزیونی به صورت همزمان برنامه‌های خود را تغییر دادند، نشان می‌داد که اتفاق بدی رخ داده است که هنوز نمی‌توان آن را تایید یا تکذیب کرد.

در شبکه یک پس از پخش سریال «طوبی» برنامه «جریان» با موضوعات شعر مقاومت همچنین پوشش و تحلیل اتفاقات آن شب به صورت زنده از شبکه یک سیما پخش شد. شبکه دو سیما از لحظات اولیه از ساعت ۲۳ تا ۲:۳۰ بامداد با گفت‌وگوهای ویژه تلفنی با کارشناسان همچنین گفت‌وگو با علی صفری، خبرنگار اعزامی به بیروت با اجرای سحر دانشور و پخش نماهنگ‌های مختلف مخاطبان را در جریان لحظه‌ای اتفاقات قرار می‌داد. شبکه سه در برنامه «سیاست خارجی» با بررسی حوادث اخیر لبنان و حملات رژیم صهیونیستی به منطقه ضاحیه در بیروت با حضور کارشناسان و ارتباط زنده با مهمانان خارجی به جوانب مختلف حمله اسرائیل به بیروت پرداخت که گفته‌های مجری این برنامه در فضای مجازی واکنش‌های بسیاری را برانگیخت تا جایی که مجری برنامه هم به این واکنش‌ها پاسخ داد و بر گفته‌های خود دوباره تاکید کرد. شبکه چهار در راستای این موضوع، برنامه زنده توفان‌الاقصی را در ساعت ۲۲:۳۰ پخش کرد. شبکه قرآن برنامه‌ای به صورت زنده و مستقیم از شهر قم و حرم حضرت معصومه(س) روی آنتن برد. شبکه خبر یک و دو هم که طبق روال با پخش تصاویر زنده از ضاحیه به پوشش اتفاقات در این منطقه و تحلیل و بررسی آنها می‌پرداخت. ساعت ۲۴ جمعه‌شب درحالی که در شبکه نمایش، برنامه سینمایی «هفت» به طور زنده درحال پخش بود، بهروز افخمی مجری این برنامه از تماشاگران خواست به تجمع مردمی که از ساعت ۳۰ دقیقه بامداد در میدان فلسطین برگزار می‌شود، بپیوندند.

این تغییر برنامه‌ها تا روز گذشته هم ادامه داشت به طوری که تماشاگران تلویزیون را به این نتیجه رساند که خبر ناگواری در راه است و لباس مشکی مجریان خبر بخش نیمروزی شبکه یک سیما دیگر تقریباً جای شک‌وشبهه‌ای درباره خبر شهادت سران حزب‌الله باقی نگذاشته بود. حدودیک ساعت پس از آغاز بخش خبری نیمروزی شبکه یک سیما، بیانیه حزب‌الله درباره شهادت سیدحسن نصرالله منتشر شد که با پخش آن معلوم شد که تغییر برنامه‌ها به طور همزمان و در نهایت پوشش اجراکنندگان بی‌دلیل نبوده و عملیات رسانه‌ای صداوسیما به خاطر اخباری بود که احتمال به قطعیت رسیدن آن بیش از هر زمان دیگری بوده است.

حالا با به شهادت رسیدن دبیرکل حزب‌الله لبنان تغییرات بیشتری در برنامه‌های تلویزیون رخ خواهد داد. شبکه مستند با پخش مستندهایی جهت محکوم کردن حادثه تروریستی دیشب، مستندهای «تنبیه»، «هبرون بدون روتوش»، «قله‌های برفی»، «سید ذوالفقار»، «ارابه عنکبوت»، «قنبطره مثلث آتش»، «وعده»، «غزه مبارزه برای آزادی»، «سلاح و معامله»، «داستان سمیر»، «سرزمین مادری»، «منهای ۷۵»، «مرزهای مقاومت (باکس ناشنوایان)»، «معادله نصر»، «عماد»، «مسجدالاقصی» و «بیشه شیران» را در جدول پخش خود جانمایی کرده است.

پنج مستند مرتبط با مردم مظلوم فلسطین و لبنان نیز در جدول پخش شبکه جام‌جم قرار گرفته است.

ویژه‌برنامه «به افق فلسطین» با موضوع حوادث اخیر لبنان و حملات رژیم صهیونیستی به منطقه ضاحیه در بیروت روی آنتن شبکه افق می‌رود. این برنامه به صورت یکسره با حضور کارشناسان مختلف پخش می‌شود. شبکه چهارم سیما ویژه برنامه‌های خبری - تحلیلی نیم‌ساعته را در فواصل برنامه‌ها تحت عنوان «وضعیت جنگی» به صورت زنده در ساعت‌های ۴، ۸:۳۰، ۱۰، ۱۲، ۱۴:۳۰، ۱۷:۳۰، و ۲۰:۳۰ به روی آنتن می‌برد و شبکه‌های یک، دو و سه هم برنامه‌های زنده تحلیلی را درباره این اتفاق روی آنتن خود خواهند برد.

گزارش تلویزیون

شیوه همچنان متوقف است

این برنامه بدون اطلاع قبلی از آنتن حذف شد!

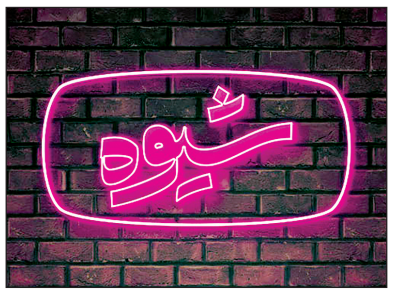

توقف برنامه مناظره‌محور هفتگی شبکه چهار به ۴۰ روز رسید. برنامه تلویزیونی «شیوه» برای پنجمین هفته متوالی پخش نشد تا شائبه‌هایی نسبت به پایان احتمالی فصل چهارم این برنامه به وجود بیاید. این درحالی است که فصل چهارم این برنامه از ۳۰ تیرماه به آنتن شبکه چهار سیما رسید و توقف ۴۰روزه کنونی، بعد از پخش تنها ۵ قسمت از این فصل رخ داد.

آخرین قسمت «شیوه» که ۲۷ مرداد ماه روی آنتن رفت با جنجال اظهارنظر علی انتظاری، رئیس برکنار شده دانشکده علوم اجتماعی دانشگاه علامه طباطبایی همراه شد. این قسمت از برنامه، مدتی بعد از آرشیو پلتفرم تلوبیون حذف شد و اکنون نیز در دسترس قرار ندارد.

طی ۵ هفته پس از پخش این قسمت، برنامه «شیوه» در جدول پخش شبکه چهار سیما قرار نگرفته و روشن نیست چه زمان به آنتن برخواهد گشت. این درحالی است که فصل چهارم «شیوه» با تغییر دکور و پخش یک مناظره پربیننده از اواخر تیرماه آغاز شد و در قسمت سوم این فصل، استودیوی دوم برنامه برای مناظره‌های تولیدی (ضبطی) هم رونمایی شد تا نشان از عزم و طراحی تلویزیون برای تداوم پخش داشته باشد. احتمالاً تغییر دکور برنامه و هزینه‌ای که برای ساخت این دکور شده بود، تنها برای تولید ۵ برنامه نبوده و قرار بر این بوده که این مناظره‌های هفتگی ادامه‌دار باشد اما انگار پخش قسمت آخر این برنامه چندان به مذاق مدیران تلویزیون خوش نیامده است و برکناری انتظاری هم مزید بر علت شد تا بدون هیچ خبر و اطلاعی پخش این برنامه به پایان برسد.

کانال اختصاصی این برنامه در نرم‌افزار «بله» اما همچنان فعال است و ویدئوهایی از برنامه‌های گذشته در این کانال بارگذاری می‌شود. اما در این کانال هم هیچ خبر و اطلاعیه‌ای درباره ادامه پخش یا تعطیلی برنامه به چشم نمی‌خورد.

«شیوه» که از اواخر تابستان ۱۴۰۱ و با آغاز ناآرامی‌های آن زمان، با پخش مناظره‌های زنده، چالشی و پرسروصدا برای نخستین بار پا به تلویزیون گذاشت طی نزدیک به دو سال پخش که با چند توقف همراه بوده با شیبی تقریباً ملایم به سمت سروصدای کمتر و حواشی کم‌دامنه‌تر رفت. این برنامه در خرداد و تیر ۱۴۰۳ هم در شرایطی که انتظار می‌رفت همگام با فضای انتخاباتی کشور، مناظره‌های داغ، جنجالی و پرمخاطب انتخاباتی برگزار کند به کلی از آنتن دور بود. این درحالی است که به نظر می‌رسید، سابقه و قابلیت «شیوه» در برگزاری این دست مناظرات، یاور رسانه ملی برای افزایش شور و مشارکت انتخاباتی باشد.

این برنامه در طول پخش خود تبدیل به یکی از برنامه‌های پرطرفدار در میان برنامه‌های دیگر شده بود. دعوت از مهمانانی از جناح‌های مختلف و بی‌طرفی مجری برنامه ازجمله عواملی بود که باعث استقبال از این برنامه شده بود. اهالی سیاست و علاقه‌مندان به آن پیگیر این برنامه مناظره‌محور بودند و ویدئوهایی از گفت‌وگوی حاضران در برنامه در فضای مجازی دست‌به‌دست شده و به طور گسترده بازنشر و دیده می‌شد. «شیوه» در نبود برنامه‌های مناظره‌محور و کرسی‌های آزاداندیشی در تلویزیون به خوبی جای خود را باز کرد و توانست به‌عنوان برنامه‌ای گفت‌وگو محور خود را در سطوح بالای سیاسی هم مطرح کند. اما گویا مدیران سازمان صداوسیما تصمیمی برای بازگشت این برنامه نگرفته‌اند و پاسخی هم به علاقه‌مندان این برنامه نمی‌دهند.

برنامه جام‌جم هم که یک برنامه مناظره‌محور بود و از شبکه یک سیما پخش می‌شد، پس از به پایان رسیدن از آنتن خداحافظی کرد و معلوم نیست سری تازه آن تولید شود.

شرکت گاز استان گیلان

فراخوان مناقصه عمومی یک‌مرحله‌ای با ارزیابی کیفی
شرکت گاز استان گیلان – شماره ۵۸ /م/ ۱۴۰۳

نوبت اول

شناسه آگهی ۱۷۹۴۳۸۴

۱- دستگاه مناقصه‌گزار:	شرکت گاز استان گیلان
۲- نشانی دستگاه مناقصه‌گزار:	رشت - پارک شهر - خیابان ملّت - خیابان شهید سیادتی - شرکت گاز استان گیلان
۳- موضوع مناقصه:	بهسازی و مقاوم سازی ساختمان اداری و مسکونی اداره گاز منجیل
۴- مبلغ برآورد و مدّت پیمان:	۱۰۹/۵۸۵/۰۰۰/۰۰۰ ریال – ۴۵۰ روز
۵- نوع و مبلغ تضمین:	ضمانتنامه بانکی یا واریز نقدی به شماره شبا حساب IR ۶۱۰۱۰۰۰۰۴۰۰۱۱۱۹۲۰۶۳۷۸۷۴۶ به شناسه واریز ۹۲۲۱۱۹۲۵۲۲۹۲۶۸۰۰۱۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۰۱ بانک مرکزی یا یکی از تضامین معتبر در آیین نامه شماره ت ۵۰۶۵۹/۱۲۳۴۰۲ ه مورّخ ۹۴/۹/۲۲ به مبلغ ۵/۴۷۹/۲۵۰/۰۰۰ ریال
۶- آخرین مهلت دریافت اسناد مناقصه و ارزیابی:	ساعت ۱۹ روز یکشنبه مورّخ ۱۴۰۳/۰۷/۱۵
۷- آخرین مهلت بارگذاری پاکات پیشنهادی توسّط مناقصه‌گران:	ساعت ۱۹ روز یکشنبه مورّخ ۱۴۰۳/۰۷/۲۹
۸- زمان پس گرفتن پیشنهاد در سامانه ستاد (انصراف از مناقصه)	تا ساعت ۸ روز دو شنبه مورخ ۱۴۰۳/۰۷/۳۰
۹- زمان بازگشایی پاکات مناقصه (الف و ب و ج):	ساعت ۱۰ صبح روز سه شنبه ۱۴۰۳/۰۸/۰۱
۱۰- مکان دریافت و تحویل اسناد پیمانکاران:	مناقصه در بستر سامانه تدارکات الکترونیک دولت (ستاد) انجام می‌پذیرد.
۱۱- شماره تماس (تلفکس):	۰۱۳-۳۳۳۶۹۰۸۶ دفتر امور پیمان‌ها

در این مناقصه : * دستورالعمل ارزیابی مالی و فرآیند قیمت متناسب در مناقصات صنعت نفت اجرا می‌شود *
*دارا بودن گواهینامه صلاحیت پیمانکاری در رشته «ابنیه» الزامی است *
تذکّر مهم: قیمت‌ها متناسب با کالای ساخت داخل با لحاظ کیفیت ارائه گردد.

این آگهی در سایت شرکت گاز استان گیلان به آدرس http://iets.mporg.ir قابل رویت می‌باشد.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۷/۰۹

روابط عمومی شرکت گاز استان گیلان

۴۳۳

دیدگاه: تحلیل اقتصادی

به کام سکه و دلار، به زیان سهام

بازارها به حوادث لبنان چه واکنشی نشان دادند؟

مهتاب شهریاری
خبرنگار سازندگی

بورس داشت جان می‌گرفت که با حمله تروریستی اسرائیل به لبنان، معادلات تغییر کرد. همان‌طور که قابل پیش‌بینی بود همه بازارها بعد از حمله تروریستی اسرائیل به جنوب لبنان وارد فاز جدیدی از واکنش و تغییر شدند. در اثر این تحولات، شاخص بورس تهران فرو ریخت، سکه طرح جدید رفاه در بورس کالا برای نخستین بار به میانه‌های کانال ۴۷ میلیون تومان رسید و دلار در بازار آزاد نیز تا عصر دیروز بیش از ۶۱ هزار و ۵۰۰ تومان معامله شده است.

بورس تهران دیروز بر مدار منفی معاملات قرار داشت تا شاهد ریزش شاخص کل بعد از هفت روز معاملاتی مثبت پیاپی در کارنامه بازار سهام باشیم اما طلای ۱۸عیار نیز در اولین روز هفته سقف جدیدی زد و به گرمی ۴میلیون تومان رسید. دماسنج اصلی بازار سهام در این روز بیش از ۸ هزار واحد ریخت و به کانال ۲ میلیون و ۱۴۶ هزار واحد عقبگرد کرد.

با پایان معاملات شنبه،بازدهی بورس از ابتدای سال به منفی ۲٫۲۰ درصد رسید. شاخص هموزن طی همین مدت ۵ درصد نزول را تجربه کرده که کارنامه ناامیدکننده‌ای برای بازار محسوب می‌شود.

در جریان دادوستدهای نخستین روز هفته بازار سهام با خروج پول ۶۳۷ میلیارد تومانی سهامداران خرد مواجه شد که بیشترین میزان خروج پول از ۱۴ مرداد محسوب می‌شود.

همچنین ارزش معاملات خرد نیز متاثر از ریسک‌های سیاسی با کاهش ۵۲ درصدی به سطح ۱۹۳۸ میلیارد تومان رسید که کمترین میزان از ۱۱ شهریور است.

در روزها آینده همه چیز به موضع‌گیری ایران بستگی دارد. ایران و آمریکا از هزینه‌های جنگ بزرگ آگاهند و از آن پرهیز دارند. اما نتانیاهو جنگ می‌خواهد و روزبه‌روز، هزینه خویشتن‌داری را برای تهران بالا می‌برد. کاخ سفید هم به دلایلی که مشخص نیست، نمی‌تواند او را مهار کند.

چند اتفاق مهم از همان روزهای نخست پیروزی مسعود پزشکیان رخ داده که اگر نیروهای رادیکال سر کار بودند، پای ایران را به مناقشات بزرگ باز می‌کردند. ترور اسماعیل هنیه و حوداث اخیر در لبنان می‌توانست پای ایران را به درگیری‌های بزرگ منطقه‌ای باز کند اما پیام جمهوری اسلامی این است که در زمین اسرائیل بازی نمی‌کنیم. این پیام به صراحت از سوی عباس عراقچی در بد ورود به نیویورک مخابره شد. آقای عراقچی گفت: «اسرائیل بعد از ناکامی در غزه مثل موجود خطرناک عمل می‌کند و هدفش افزایش تنش در منطقه است. ما با دقت اقدامات و جنایات رژیم صهیونیستی را رصد و سیاست‌های خود را تنظیم می‌کنیم. رژیم اسرائیل قطعاً به اهداف خود برای افزایش تنش و جنگ نخواهد رسید، ولی پاسخ جنایت‌های خود را خواهد گرفت».

۴۷
صنعت

با بازدهی مثبت

هفته آغازین پاییز، خاطره بسیار خوبی را برای سهامداران بازار سرمایه رقم زد. از میان ۵۱ گروه و صنعت فعال در بازار، ۴۷ صنعت، هفته را با بازدهی مثبت به انتها رساندند و تنها ۴صنعت بازدهی منفی را نصیب سهامداران خود کردند. از میان ۵ صنعت برتر هفته، ۴ صنعت جزو صنایع خدمات‌محور بازار سرمایه و تنها یک صنعت از صنایع تولیدی بوده‌اند که این موضوع اقبال سهامداران به صنایع خدماتی را نشان می‌دهد.

۴۰
درصد

ظرفیت اسمی صنعت

آخرین آمارهای رسمی نشان می‌دهد که درحال حاضر نزدیک به ۴۰ درصد ظرفیت اسمی بخش صنعت و تولید مشغول به فعالیت است و کمبود نقدینگی و تشدید فرآیند قیمت‌گذاری دستوری، همین ظرفیت فعلی را نیز تهدید می‌کند. کمبود نقدینگی و سرمایه در گردش واحدهای تولیدی درحالی به چالش بغرنجی برای این بنگاه‌ها تبدیل شده است که هزینه تامین مالی همچنان با نرخ بالا و گران انجام می‌شود.

۸
درصد

افزایش قیمت مسکن

در نیمه نخست امسال میانگین قیمت هر مترمربع مسکن در تهران بیش از ۷/۸درصد افزایش یافته و این به معنای آن است که مسکن بعد از طلا و سکه بیشترین بازدهی را داشته، اما با این حال نرخ رشد آن کمتر از شاخص تورم است. این اطلاعات همچنین نشان می‌دهد که قیمت هر متر مسکن در تهران بیشتر از بازده بازار ارز بوده است. در این مدت قیمت دلار ۸/۲ درصد افت کرده است.

رشد اقتصاد

چرا برخی کشورها به مداخله‌گرایی علاقه پیدا کرده‌اند؟

مهتا معرفت
مترجم

بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول تلاش دارند از مسیر مقابله با تغییرات اقلیمی به تقویت توسعه و اصلاحات بپردازند. اما در بحبوحه جدال قدرت میان آمریکا و چین گیر افتاده‌اند. جدالی که مانع از تجدید ساختار بدهی‌های کشورهای فقیر شده است. به استثنای چند مورد برجسته ازجمله تلاش‌های خاویر میلی، رئیس‌جمهور آرژانتین، اغلب رهبران جهان بیشتر به کنترل‌های دولتی و حمایت‌گرایی علاقه دارند. این علاقه‌مندی تعجبی ندارد، چون چنین تلاش‌هایی قدرت آنها را افزایش می‌دهند. شاخص آزادی اقتصادی در آفریقای زیر صحرای کبیر از اواسط دهه ۲۰۲۰ و در آمریکای جنوبی از آغاز قرن عمدتاً بدون تغییر باقی‌مانده است. نیجریه که در آن یک‌سوم جمعیت هنوز در فقر شدید به سر می‌برند پول زیادی را در یارانه بنزین هدر می‌دهد. مدیران صنعت نساجی در بنگلادش از الطاف ویژه بهره‌مندند و این به بهای تضعیف تولیدکنندگانی تمام می‌شود که باید شغل‌آفرینی کنند. مجموعه‌های دولتی و ناکارآمد معدن، نفت و گاز در پاکستان همچنان اجازه فعالیت دارند. یک‌چهارم جمعیت چین با وجود رشد چشمگیر آن در گذشته سالانه کمتر از ۲۵۰۰ دلار درآمد دارند. سیاست متمرکزسازی شی جین پینگ و سانسور داده‌های اقتصادی، رکود اقتصادی کنونی را تشدید کرد و این رکود چشم‌انداز زندگی بهتر را برای مردم کوچک‌تر می‌کند. حتی هند و اندونزی که در گذشته آزادسازی‌های موفقی داشتند، ولی هنوز بسیاری از مردم آنها فقیرند. درحال حاضر در نیروهای بازار مداخله می‌کنند و تلاش دارند زنجیره‌های عرضه را به داخل بکشانند. طبق گزارش اندیشکده هشدار تجارت جهانی، تعداد اقدامات تجاری مخرب در دهه ۲۰۲۰ پنج برابر اقدامات مربوط به آزادسازی بوده است. بسیاری از مداخلات غرب در جهان جنوب با شکست مواجه شدند، اما حداقل توانستند فضیلت‌های بازار آزاد و تجارت آزاد را رواج دهند. رواج آنها بیشتر به این دلیل بود که ثابت شد کمونیسم در مقایسه با رشد و قدرت آمریکا بسیار عقب افتاده است. اما امروز آمریکا به‌عنوان مداخله‌گر، ناقض نظم قدیم و حامی جایگزین‌سازی آن معرفی می‌شود. در مقابل، بسیاری از کشورها به الگوی سیاست صنعتی و شرکت‌های دولتی چین می‌نگرند و از رشد آن درس‌های اشتباهی می‌گیرند. اگر جهان از تاریخ درس نگیرد هزینه سنگینی خواهد پرداخت. کشورهای ثروتمند همانند گذشته از پس مشکلات‌شان برمی‌آیند، اما رشد برای مردم فقیر به معنای تفاوت میان زندگی خوب و فلاکت است. تعجبی ندارد که توسعه متوقف شده است، چون دولت‌ها اصولی را رد می‌کنند که

عامل محرک یک عصر طلایی بودند. بنابراین هیچ‌کس به اندازه فقرای جهان آسیب نخواهد دید.

از زمان انقلاب صنعتی، کشورهای ثروتمند عمدتاً رشد سریع‌تری نسبت به کشورهای فقیر داشته‌اند. دو دهه پس از سال ۱۹۹۵ را باید دورانی استثنایی دانست. در این دوران شکاف تولید ناخالص داخلی کاهش یافت، فقر شدید کمتر شد و بهداشت و تحصیل در سطح جهان رو به بهبود گذاشت. نرخ مرگ‌ومیر نوزادان و مرگ ناشی از مالاریا سقوط و نرخ ثبت‌نام در مدارس صعود کرد. احتمالاً منتقدان جهانی شدن به شما می‌گویند که زیاده‌روی‌های سرمایه‌داری و بحران مالی جهانی از مشخصه‌های این دوران هستند، اما آنها اشتباه می‌کنند. این دوره را باید با معجزه‌هایش تعریف کرد. اما درحال حاضر آن معجزه‌ها به خاطره‌ای کم‌رنگ تبدیل شده‌اند. نرخ فقر شدید با نرخ سال ۲۰۱۵ آن تفاوتی ندارد. معیارهای جهانی سلامت عمومی در اواخر دهه ۲۰۲۰ اندکی بهبود یافتند، اما پس از همه‌گیری رو به نزول گذاشتند. مالاریا در دهه ۲۰۲۰ جان بیش از ۶۰۰ هزار نفر را در سال گرفت و به سطح سال ۲۰۱۲ بازگشت. از اواسط دهه ۲۰۲۰ نیز هیچ رشد اقتصادی با هدف رسیدن به کشورهای پیشتاز اتفاق نیفتاد. بسته به اینکه شما خط مرز بین فقیر و ثروتمند را چگونه ترسیم می‌کنید کشورهای ضعیف دیگر نه‌تنها سریع‌تر از ثروتمندان رشد نمی‌کنند، بلکه حتی فاصله بیشتری از آنها گرفته‌اند. برای بیش از ۷۰۰ میلیون انسانی که هنوز در فقر شدید به سر می‌برند –و سه میلیارد نفری که صرفاً فقیرند– این اخبار ناگوار هستند. برای قضاوت در مورد اینکه چه رویداد اشتباهی رخ داده است، ابتدا باید ببینیم چه مسیرهای اولیه‌ای درست بودند. تحصیل و بهداشت در کشورهای بسیار فقیر وابسته به چک‌هایی بود که خیرین و نیکوکاران صادر می‌کردند. اما حتی اگر این کمک‌ها بیماری‌ها را مهار کرده باشند نتوانسته‌اند رشد پایدار بیافرینند. همین امر در مورد فن‌سالاران صندوق بین‌المللی پول و بانک جهانی صدق می‌کند که عمدتاً در آفریقا و آمریکای لاتین فعالیت داشتند. در آن مناطق رشد اقتصاد پراکنده بود و هم‌راستا با قیمت کالاهای تجاری تغییر می‌کرد. منتقدان عصر نئولیبرال به این نتیجه می‌رسند که جهانی‌سازی شکست خورده است. اما مهم‌ترین آزادسازی‌ها نه طبق توصیه خیرین، بلکه از درون خود کشورها اتفاق افتاد. چند موفقیت بزرگ در دهه ۱۹۹۰ به همگرایی جهانی کمک کردند: رشد سریع چین پس از سیاست درهای باز دنگ شیائو پینگ، فرآیندی مشابه در هند پس از اصلاحات و ورود کشورهای اروپای شرقی به اقتصاد بازار آزاد پس از فروپاشی کمونیسم. تمام اینها تاییدی قدرتمند برای سرمایه‌داری بودند. درست همان‌گونه که جهان ثروتمند عامل همگرایی نبود نمی‌توان آن را در توقف امروزی توسعه مقصر دانست. اما واقعیت آن است که تلاش‌های غرب همانند گذشته غلط هستند.

منبع: اکونومیست

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۰۱۰۰۷۰۳۵ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۰۷۵ تقاضای خانم عظمت واثقی به شماره شناسنامه ۶۷ و کد ملی ۲۲۳۹۷۰۵۷۸۷ صادره از ترکمن فرزند حیدر در ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده که مقدار یک سهم مشاع از هفت سهم ششدانگ عرصه آن وقف است بمساحت ۱۹۸/۶۵ متر مربع از پلاک شماره ۲۶۷ – اصلی واقع در اراضی چینیان بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نماید.

شناسه آگهی ۱۷۹۲۷۴۵

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸
تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۷/۲۳

مهدی شاه مهری
سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان
از طرف غلامرضا قاسمی

۴۳۶

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک رودکی تهران
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۴۵۰۰۰۴۷۹ مورخه ۱۴۰۳/۰۴/۲۳ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رودکی تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی خانم مرضیه اللهویردی زاده فرزند محمدباقر بشماره شناسنامه ۲۲۴۶۴ صادره از در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۹۵/۹۷ متر مربع پلاک ۲۳۹۵ اصلی مفروز و مجزی شده از واقع در بخش ۱۰ خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: شنبه ۱۴۰۳/۰۶/۲۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: یکشنبه ۱۴۰۳/۰۷/۰۸

۱۳۱۸۲ م الف **رئیس ثبت اسناد و املاک رودکی تهران – امید ملک**

شناسه آگهی ۱۷۸۶۰۱۵

اداره کل ثبت اسناد و املاک استان تهران
اداره ثبت اسناد و املاک حوزه ثبت ملک رودکی تهران
هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۴۵۰۰۰۴۹۹ مورخه ۱۴۰۳/۰۵/۰۱ و اصلاحی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۱۰۴۵۰۰۰۶۲۹ مورخه ۱۴۰۳/۰۵/۳۰ هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک رودکی تهران تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای / خانم ولی اله خدابنده فرزند صفرعلی بشماره شناسنامه ۹۷۳ صادره از قزوین در ششدانگ یک قطعه زمین با بنای احداثی در آن به مساحت ۲۸۴۷ متر مربع پلاک ۲۳۹۵ اصلی مفروز و مجزی شده از واقع در بخش ۱۰ خریداری از مالک رسمی محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید، ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد.

تاریخ انتشار نوبت اول: شنبه ۱۴۰۳/۰۶/۲۴
تاریخ انتشار نوبت دوم: یکشنبه ۱۴۰۳/۰۷/۰۸

۱۳۱۸۳ م الف **رئیس ثبت اسناد و املاک رودکی تهران – امید ملک**

شناسه آگهی ۱۷۸۶۰۲۰

آگهی موضوع ماده ۳ قانون وماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی واراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۰۹۰۰۲۰۰۱۰۹۷-۱۴۰۳/۰۶/۲۷ هیات اول / دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی وساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک تاکستان تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای /خانم عباس آخوندی فرزند صفت اله بشماره شناسنامه ۶۸۶ صادره از ضیاء آباد در ششدانگ یکباب ساختمان به مساحت ۵۷/۵۰ متر مربع مفروز از پلاک ۱۶۶۳۷ فرعی از ۱ اصلی واقع در بخش ۸ تاکستان خریداری از مالک رسمی آقای رضا طاهر خانی محرز گردیده است . لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دونوبت به فاصله ۱۵روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند بدیهی است در صورت انقضای مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد .

تاریخ انتشارنوبت اول: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸
تاریخ انتشارنوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۷/۲۳

شناسه آگهی: ۱۷۹۴۱۹۷

مسعودرحمانی
رئیس ثبت اسناد و املاک

۴۳۴

آمار متولدین کم‌شنوا

سعید محمودیان، رئیس اداره سلامت گوش و شنوایی وزارت بهداشت گفت: جمعیت موالید کشور حدود یک میلیون و ۳۰۰ هزار نفر در سال گذشته گزارش شده و براساس غربالگری‌ها حدود ۳.۷ در هر ۱۰۰۰ تولد به کم‌شنوایی مبتلا هستند؛ به عبارت دیگر ۳ تا ۵ مورد در هر ۱۰۰۰ تولد به کم‌شنوایی مبتلا هستند. کم‌شنوایی مادرزادی و عوامل ژنتیکی مانند ازدواج‌های فامیلی در ۵۰ تا ۶۰ موارد مبتلا به کم‌شنوایی نقش دارد.

تداوم بارش در تهران

هواشناسی اعلام کرد، آسمان تهران امروز (۸ مهر) قسمتی ابری تا نیمه‌ابری در بعضی ساعات افزایش ابر، گاهی رگبار و رعدوبرق و وزش باد شدید با حداقل دمای ۱۳ و حداکثر دمای ۱۷ درجه سانتی‌گراد و طی دوشنبه (۹ مهر) قسمتی ابری در بعدازظهر افزایش ابر و گاهی رگبار باران و وزش باد شدید با حداقل دمای ۱۶ و حداکثر دمای ۲۲ درجه سانتی‌گراد پیش‌بینی می‌شود.

بلیت‌فروشی فاقد مجوز

علی صالحی، دادستان تهران دیروز در سایت قوه قضائیه اعلام کرد: در راستای سیاست‌های دستگاه قضایی و اجرای برنامه‌های نظارتی دادسرای تهران در زمینه حفظ حقوق عامه طی سه ماه اخیر ۵۶ سایت فاقد مجوز فروش الکترونیکی بلیت هواپیما که با هدف شکل‌دهی بازار سیاه و عرضه بلیت در کانال‌های غیررسمی ایجاد شده بودند؛ شناسایی و به همراه درگاه‌های بانکی مورد استفاده، مسدود شدند.

انفجار و خفگی

کارگران معدنجوی طبس چرا جان باختند؟

گروه اجتماعی: ۳۱ شهریور ماه امسال یازدهمین حادثه معدنی در کشور اتفاق افتاد و انفجار معدن زغال‌سنگ طبس در استان خراسان‌جنوبی موجب کشته شدن ۵۲ نفر و مجروحیت بیش از ۲۰ نفر شد. در گزارش‌های اولیه دلیل این حادثه، نشت گاز متان در یکی از کارگاه‌های شرکت زغال‌سنگ معدنجوی عنوان شده است اما بررسی دقیق این حادثه به کمیته ویژه‌ای متشکل از مسئولان قضایی و وزارت صمت محول شده تا در اسرع‌وقت دلیل این حادثه را مورد ارزیابی قرار دهند.

معدن حادثه‌دیده معدنجو طبس زیرمجموعه شستا بود که در دهه ۹۰ به بخش خصوصی واگذار شده است. این معدن در مسیر جاده زغال‌سنگ طبس واقع شده است. مجموعه زغال‌سنگ طبس مجموعه بسیار وسیعی است که به گفته کارگران منطقه هرچه به سمت کرمان می‌رود، زغال‌سنگ مرغوب‌تری دارد و دیواره‌ها نازک می‌شود اما هرچه به سمت یزد می‌رود، دیواره‌ها کلفت‌تر است و زغال مرغوب نیست. حادثه مرگبار در بخش نامرغوب زغال‌سنگ اتفاق افتاده است.

احمد میدری، وزیر تعاون، کار و رفاه اجتماعی در برنامه گفت‌وگوی ویژه خبری تلویزیون در پاسخ به این پرسش که چرا ما از سال ۱۳۷۶ تا سال ۱۳۹۱ حدود ۳۲ نفر جان‌باخته داریم اما از ۱۳۹۱ تا ۱۴۰۳ بیش از ۱۱۴ نفر در این حوادث جان باخته‌اند، گفته که دلیل این مساله آن است که به تدریج وارد لایه‌های زیرین و عمیق‌تر معادن زغال‌سنگ شده‌ایم و معادن زغال‌سنگ عموماً در لایه‌های زیرین با گاز متان همراه است و اینکه چقدر خطاهای فردی در این حادثه موثر بوده است باید ابعادش مورد بررسی قرار گیرد.

به گفته او شهر طبس شهر معدنی است و هیچ شهری در ایران به اندازه طبس، حجم کارهای معدنی در آن وجود ندارد. جمعیت طبس۴۰ هزار نفر است که ۱۴ هزار کارگر معدن هستند و در واقع اقتصاد طبس روی معادن بنا شده است.

وزیر کار با بیان اینکه بعید است از طرف سیستم‌های نظارتی ما غفلت صورت گرفته باشد، ادامه داد: نکته‌ای که وجود دارد این است که معادن زغال‌سنگ ما عموماً سنتی هستند و در شهر طبس ما از دو معدن بازدید کردیم. یکی معدن سنتی و یکی معدن مکانیزه اما معدن طبس جزو معادن غیرمکانیزه است و ۱۷۵۰ نفر پرسنل داشته و دارای سیستم‌های تصویر مانیتورینگ نیست.

میدری با اشاره به وجود ۲۰۰ معدن زغال‌سنگ در کشور گفت: درحال حاضر یکی از معادن مکانیزه است و دلیل عدم مکانیزه این است که برخی معادن به خاطر لایه‌ها و اشکالی که در آنها وجود دارد اصلاً قابل مکانیزه بودن نیست؛ لذا ما برای

اینکه حوادث کمتری داشته باشیم باید ببینیم چگونه می‌توانیم مکانیزاسیون را در معادن کشور افزایش دهیم. در وزارت این آمادگی را داریم که هر سه ماه یک بار درخصوص بهبود ایمنی معادن زغال‌سنگ به ویژه شهر طبس به مردم گزارش دهیم.

زمان و علت قطعی انفجار

آن‌طور که فعالان این حوزه می‌گویند، معدن زغال‌سنگ پرورده ۵ دارای ۳ بلوک بوده که هر دقیقه ۴ هزار و ۵۰۰ مترمکعب هوا در این معدن تهویه می‌شد. معدن پرورده طبس سیستم تهویه معدن مکشی داشت. در این حالت لوله مکش هوا در نزدیکی سینه کار قرار گرفته و گردوغبار و گازهای موجود در سینه کار را به خارج هدایت می‌کرده است.

گفته شده که به علت محدودیت‌هایی که وجود دارد لوله تهویه را نمی‌توان خیلی نزدیک به جبهه کار قرار داد؛ نزدیک‌ترین فاصله لوله تهویه بین ۱۲ تا ۱۵ متری سینه کار است به همین علت در این فاصله، فضای راکدی بین انتهای لوله تهویه سینه کار استخراجی به وجود می‌آید که تمرکز گردوغبار در آن فوق‌العاده زیاد خواهد شد. برای حل این مشکل به وسیله یک ونتیلاتور دهشی و یک لوله کوتاه دیگر هوای تازه را به سینه کار انتقال می‌دهند؛ در اثر این کار گردوغبار متراکم شده به دهانه ورودی لوله مکش وارد می‌شود و این روش به نام اورلاب معروف است.

سعید صمدی، دبیر انجمن زغال‌سنگ با تاکید بر اینکه در این معدن، ورودی‌ها در انتهای بلوک C بود که به ترتیب هوا وارد بلوک C و B و A و نهایتاً تخلیه می‌شد، اعلام کرده که کل تونل معدن طبس سیستم تهویه داشت و ضمن اینکه این تونل تهویه در عین حال تونل ارتباطی و تونل فرار هم بود که اگر ریزشی در معدن به وجود می‌آمد، معدن مسدود نشود.

دبیر انجمن معادن زغال‌سنگ با اشاره به اینکه حادثه معدنجو طبس هنگام تخریب کارگاه اتفاق افتاده است، اضافه کرده که با تخریب کارگاه یک‌دفعه حجم عظیمی از گاز متان در معدن آزاد می‌شود. البته چون شیفت ۳ بود، تعداد کارگران معدن کم بوده است در غیر این صورت تعداد کشته‌های این حادثه، رقم‌های بالاتری داشت.

به گفته صمدی، بعد از تخریب کارگاه C که در آن حدود ۱۲ کارگر بودند، چون بلوک‌های C.B.A. با یکدیگر در ارتباط بودند، سریع گاز متان به سایر بلوک‌ها سرایت کرده و باعث کشته و مجروح شدن کارگرهای بلوک B شده است. جالب است بدانید، گاز متان معمولاً به ۳ درصد برسد احتمال انفجار دارد و در زمان انفجار گاز متان همراه خود تولید دی‌اکسیدکربن و مونواکسیدکربن می‌کند که اصولاً بو هم ندارد.

او تاکید کرده که در معدن پرورده تونل‌های تهویه با هم در ارتباط هستند و در کارگاه B حدود ۶۰ نفر کارگر مشغول استخراج زغال بودند و چون سیستم تهویه مکشی بود و تمام گازها مستقیم به سمت B هدایت شدند در بلوک B هیچ صدا و انفجاری اتفاق نیفتاده و دلیل فوت کارگرها نشت گاز بود. در هر شیفت این معدن ۶۰۰ کارگر کار می‌کردند و در مجموع ۱۷۰۰ نفر در این معدن فعالیت می‌کردند.

گزارش ویژه

هزینه مازاد ۲۰۰ میلیاردی برای جمع‌آوری زباله گرگان

رئیس انجمن صنفی کارفرمایان شرکت‌های خدماتی، پشتیبانی و فنی مهندسی گلستان گفت: لایحه مصوب در شورای اسلامی شهر گرگان سبب تحمیل هزینه مازاد ۲۰۰ میلیاردی برای جمع‌آوری زباله مرکز استان گلستان شده است.

رسول گرگیج در نشست خبری با اصحاب رسانه اظهار کرد: ۱۲۰ شرکت در حوزه‌های خدمات شهری، آشپزخانه، حفظ و نگهداری، حمل‌ونقل، فضای سبز با سرمایه‌گذاری بخش خصوصی در استان گلستان فعال هستند تا زمینه اجرای مطلوب‌تر اصل ۴۴ فراهم شود.

رئیس انجمن صنفی کارفرمایان شرکت‌های خدماتی و پشتیبانی فنی و مهندسی استان گلستان افزود: به‌رغم تمام اهتمام شرکت‌های خدماتی و فنی مهندسی برای توسعه آبادانی کشور، خلأهای قانونی پرشماری برای مطالبه حقوق این نهادهای خصوصی حین مواجهه با اختلافات حقوقی با ارگان‌های دولتی وجود دارد. وی گفت: حدود ۵۰۰ میلیارد ریال سرمایه بخش خصوصی در حوزه شرکت‌های خدماتی پشتیبانی فنی مهندسی استان به‌کارگیری شده تا زمینه اشتغال ۱۰ هزار نفر فراهم شود.

گرگیج به موضوع لایحه دوفوریتی شهرداری گرگان درخصوص تعیین پیمانکاران خدمات شهری اشاره کرد و گفت: چرا باید موضوع جمع‌آوری زباله شهر گرگان با اعتبار بالغ بر ۳۰۰ میلیارد تومان در قالب لایحه دوفوریتی مطرح و در کمتر از ۱۰ دقیقه مصوب شود.

گرگیج بیان کرد: براساس قراردادهای منعقده و با یک حساب سرانگشتی حدود ۲۰۰ میلیارد تومان هزینه مازاد از محل منابع درآمدی شهرداری صرف جمع‌آوری زباله در سال ۱۴۰۳ و ۱۴۰۴ خواهد شد. وی ادامه داد: متاسفانه دبیرخانه بررسی شکایات مرتبط با سامانه ستاد در استانداری گلستان وجود نداشت که بتوانیم موضوع را از مرجع درست پیگیری کنیم که با دستور استاندار این مرجع شکل گرفته است.

گرگیج گفت: موضوع از طریق بازرسی استانداری گلستان، اداره کل بازرسی استان گلستان، دادستان عمومی و انقلاب مرکز استان گلستان و رئیس کل دادگستری گلستان در دست پیگیری است تا بتوانیم از حقوق مردم دفاع کنیم. به گفته وی، روزانه ۱۵۰ تن زباله در مناطق یک، دو و سه شهر گرگان جمع‌آوری و به سایت موقت زباله منتقل می‌شود. گرگیج عنوان کرد: به طور متوسط روزانه ۸۰ تن لجن هم از مناطق مختلف گرگان جمع‌آوری و به خارج از شهر منتقل می‌شود.

آگهی اختصاصی موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر ماده ۳ و ماده ۱۳ آئین نامه قانون تعیین تکلیف

برابر رای شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۲۰۰۱۰۰۷۰۳۴ هیئت موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی تصرفات مالکانه بلامعارض کلاسه ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۲۴۸۰۰۰۰۰۷۳ تقاضای خانم الهه واثقی به شماره شناسنامه ۲۱۵ و کد ملی ۲۲۳۹۷۱۰۶۰۸ صادره از ترکمن فرزند حیدر در ششدانگ یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده که مقدار یک سهم مشاع از هفت سهم ششدانگ عرصه آن وقف است بمساحت ۲۰۰ متر مربع از پلاک شماره ۲۶۷ – اصلی واقع در اراضی چینیان بخش دو حوزه ثبت گرگان طبق رای صادره حکایت از انتقال از مالک رسمی به متقاضی دارد. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله پانزده روز آگهی میشود از این رو اشخاصی که نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراض داشته باشند میتوانند از تاریخ انتشار اولین آگهی بمدت دو ماه اعتراض خود را با ذکر شماره پرونده به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ظرف مدت یکماه از تاریخ تسلیم اعتراض به مرجع ثبتی، دادخواست خود را به مرجع ذیصلاح قضائی تقدیم نماید.

شناسه آگهی ۱۷۹۲۷۴۷

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸

تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۷/۲۳

مهدی شاه مهری

سرپرست اداره ثبت اسناد و املاک منطقه یک گرگان

از طرف غلامرضا قاسمی

۴۳۵

آگهی فقدان سند مالکیت

خانم مریم شمالی پور با ارائه دو برگ استشهادیه که در دفتر اسناد رسمی شماره ۶۹ محمودآباد تصدیق شده است اعلام داشته مقدار ششدانگ عرصه و اعیان زمین با بنای احداثی پلاک ثبتی ۲۵۹۵ فرعی از ۱ اصلی بخش ۱۰ ثبت نور که در دفتر الکترونیکی ۱۴۰۰۲۰۳۱۰۰۰۶۰۰۷۶۸۴ بشماره سریال ۰۰۸۷۱۵ به نام مریم شمالی پور ثبت و صادر گردیده بود به علت نامعلوم مفقود شده لذا درخواست صدور سند المثنی نموده است. در اجرای ماده ۱۲۰ آئین نامه اصلاحی قانون ثبت و تبصره های ذیل آن مراتب در یک نوبت آگهی می گردد چنانچه اشخاصی مدعی انجام معامله یا وجود اصل سند مالکیت مذکور نزد خود می باشند ظرف مدت ده روز از تاریخ انتشار این آگهی می بایست اعتراض خود را به پیوست اصل سند مالکیت یا سند معامله به اداره ثبت محل ارائه و رسید آن را دریافت نمایند. بدیهی است چنانچه پس از اتمام مدت مقرر اعتراض ارائه نگردد و یا در صورت اعتراض اصل سند مالکیت و یا سند معامله ارائه نگردد این اداره مطابق مقررات اقدام به صدور سند مالکیت المثنی خواهد نمود.

شناسه آگهی: ۱۷۹۵۴۸۶

تاریخ انتشار: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸

علی سعادتی

رئیس اداره ثبت اسناد و املاک نور

۴۳۷

آگهی اختصاصی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی حوزه ثبتی بندپی

برابر رأی شماره ۱۴۰۳۶۰۳۱۰۰۱۷۰۰۵۹۳۷ هیأت اول موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه ثبت ملک بند پی تصرفات مالکانه بلامعارض متقاضی آقای علی اکبری رحمن فرزند غلامحسین بشماره شناسنامه ۷۴۲ صادره از خوش رودپی در یک قطعه زمین که در آن احداث بنا شده است به مساحت ۱۴۰ متر مربع قسمتی پلاک ۹ – اصلی کلاسه: ۱۴۰۳۱۱۴۴۱۰۰۱۷۰۰۰۱۶۲ واقع در بزرودپی خریداری از مالک رسمی آقای محمدرضا اعتمادی و غیره محرز گردیده است. لذا به موجب ماده ۳ قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمان های فاقد سند رسمی و ماده ۱۳ آیین نامه مربوطه و به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز از طریق روزنامه محلی و کثیرالانتشار در شهرها منتشر و در روستاها علاوه بر انتشار آگهی در محل الصاق تا در صورتیکه اشخاص ذینفع به آرای اعلام شده اعتراض داشته باشند باید از تاریخ انتشار اولین آگهی و در روستاها از تاریخ الصاق در محل تا دو ماه اعتراض خود را به اداره ثبت محل وقوع ملک تسلیم و رسید اخذ نمایند. معترض باید ظرف یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض مبادرت به تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل نماید و گواهی تقدیم دادخواست به اداره ثبت محل تحویل دهد که در این صورت اقدامات ثبت موکول به ارائه حکم قطعی دادگاه است و در صورتی که اعتراض در مهلت قانونی واصل نگردد یا معترض، گواهی تقدیم دادخواست به دادگاه عمومی محل ارائه نکند اداره ثبت مبادرت به صدور سند مالکیت می نماید و صدور سند مالکیت مانع از مراجعه متضرر به دادگاه نیست.

تاریخ انتشار نوبت اول: ۱۴۰۳/۰۶/۲۴ تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۳/۰۷/۰۸

محمد حبیب زاده گنجی– رییس ثبت اسناد و املاک بندپی

شناسه آگهی ۱۷۸۷۴۰۳

۳۰۸

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی ● **صاحب امتیاز:** حزب کارگزاران سازندگی ایران ● **مدیرمسئول:** سیدافضل موسوی ● **سردبیر:** اکبر منتجبی
زیرنظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریان‌فر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتناعی
مدیرهنری: رضا دولت‌زاده ● **عکس:** رضا معطریان ● **ویراستار:** سعیده آرین‌فر ● **حروف‌چین:** مجتبی دیدگر ● **نشانی:** تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸ ، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ ● **چاپ:** امید نشر ایرانیان: ۹- ۸۸۵۳۷۱۶۸ ● **توزیع:** نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰

افراط در اختلاف ۰۹۴

شنبه ۳۰ تیر

توفیق درکم کردن شرارت در خراسان

آقای [بیژن نامدار] زنگنه، وزیر نفت آمد. از فشاری که از سوی افراطی‌های چپ و راست به او وارد می‌شود، ناراحت است. گفت، اگر هیچ اقدام مثبتی نکرده بودم و مثل خود آنها فقط شعار «نمی‌گذارند کار کنیم» می‌دادم، این تعرض‌ها نبود و اظهار تردید کرد که مصلحت باشد به کار ادامه دهد. از ضعف‌های وزارت نیرو هم گفت که آب و برق را به این روز انداخته‌اند و گفت، مشارکتی‌ها که [آقای حبیب‌الله بیطرف]، وزیر نیرو را از خودشان می‌دانند، تعرضی به او ندارند. از آقای [احمد] جنتی، [دبیر شورای نگهبان]، [به خاطر ایراد تهمت در خصوص دریافت پورسانت از قراردادهای نفتی] به دادگاه ویژه روحانیت شکایت کرده است و اگر آقای جنتی اظهاراتش را جبران کند، پس می‌گیرد. پرونده [مفاسد مالی] آقای [ضیاءالدین] میرعماد، [دادستان سابق تهران] را به وزارت اطلاعات داده که گزارش‌هایی علیه او رسیده است.

کمیسیون زیربنایی [مجمع تشخیص مصلحت نظام] جلسه داشت. دربارهٔ سیاست‌های کلی سنجش صنعت در کلیات بحث شد. آقای جنتی اصرار دارد که هفته آینده، مجمع را تعطیل کنیم چون مجلس تعطیل است؛ شورای نگهبان هم می‌خواهند، تعطیل باشد و چون باید در جلسه مربوط به تحقیق و تفحص باشند، مشکل دارند.

عصر سردار [محمدباقر] قالیباف، فرمانده ناجا [= نیروی انتظامی] آمد. گزارشی از توفیق در کم کردن شرارت در خراسان با کمک نیروهای بسیجی و وحدت فرماندهی داد و نیز از توفیقات مرکز پلیس ۱۱۰ گفت. در مورد زیاد شدن سرقت‌ها و نیز کالاهای قاچاق تذکر دادم. پیشنهادهای غیرمؤثری در مورد مبارزه با مواد مخدر دارد.

آقای قرایی از اهالی تربت‌حیدریه آمد. انتقادهای تُندی نسبت به دوم‌خردادی‌ها داشت و برای بسیج کمک خواست. سیل در مشکین‌شهر، [در استان اردبیل]، خرابی‌های زیادی به بار آورده و ۵۴ نفر کشته و مفقود دارد. در چالداران، [در آذربایجان‌غربی] نیز خرابی و تلفات جانی داشته است.

در جنوا [در ایتالیا]، تظاهرات مردمی علیه اجلاس سران گروه هشت با صدها نفر مجروح و بازداشتی ادامه دارد. دیروز یک کشته از مردم گرفته است. در اندونزی، مجلس امروز تصویب کرده که دوشنبه آینده [عبدالرحمن] وحید، [رئیس‌جمهور] را استیضاح کند و او گفته، در مجلس حاضر نخواهد شد چون غیرقانونی است.

یک‌شنبه ۳۱ تیر

جلسه با معاونان مرکز تحقیقات استراتژیک

با معاونان مرکز تحقیقات استراتژیک [مجمع تشخیص مصلحت نظام] جلسه داشتم. دربارهٔ خصوصی‌سازی و منافع و ضررهای احتمالی پیوستن به شانگهای ۵ مذاکره کردیم. آقای [حسین] مهرپور [حقوقدان و رئیس هیأت نظارت بر اجرای قانون اساسی] گزارشی از اقدامات مقدماتی برای تشکیل دادگاه محاکمه خارجی‌ها در مقابله به مثل عمل آمریکا داد.

ترکش‌های یک سقوط

بازخوانی سانحه‌ای که تاریخ جنگ تحمیلی را تغییر داد

نیره خادمی
گروه تاریخ

با گذشت بیش از ۴ دهه از سقوط هواپیمای سی- ۱۳۰ ارتش و شهادت برجسته‌ترین فرماندهان ایرانی و تاثیر آن در سرنوشت جنگ عراق با ایران هنوز هم ابهامات این سانحه به قوت خود باقی است. برخی مشکل فنی و خطای خلبان را طرح می‌کنند و برخی دیگر آن را ادامه عملیات خراب‌کارانه سازمان منافقین می‌دانند.

غروب هفتم مهر سال ۱۳۶۰ یک سال پس از آغاز جنگ تحمیلی عراق علیه ایران و درست زمانی که ۵ تن از فرماندهان ارتش و سپاه ایرانی با خبر پیروزی و شکست حصر آبادان به سمت تهران پرواز کرده بودند، هواپیمای آنها در اتفاقی مشکوک سقوط کرد. هواپیمای سی -۱۳۰ ارتش حامل تعدادی از مجروحان و شهدای عملیات ثامن‌الائمه از اهواز عازم تهران شده بود. سقوط هرکولس در منطقه کهریزک تهران و شهادت فرماندهان ایرانی، تاریخ جنگ ایران و عراق را به طور کامل تغییر داد. پیش از آن قصد بر ادامه این جنگ نبود و در واقع قرار بر این بود که در همان پاییز و پس از شکست حصر آبادان، عملیات بیت‌المقدس برای آزادسازی خرمشهر انجام شود و جنگ به پایان برسد اما چنین واقعه بزرگی این عملیات را حدود یک سال به تاخیر انداخت و بعد فقدان این فرماندهان کار را سخت کرد. در این سانحه، تیمسار سرتیپ ولی‌الله فلاحی جانشین رئیس ستاد مشترک ارتش، سرهنگ موسی نامجو وزیر دفاع و نماینده امام در شورای عالی دفاع، سرهنگ جواد فکوری مشاور ستاد مشترک ارتش و فرمانده نیروی هوایی ارتش، یوسف کلاهدوز قائم‌مقام فرمانده کل سپاه پاسداران و محمد جهان‌آرا فرمانده سپاه پاسداران خرمشهر و تعدادی دیگر از سرنشینان هواپیما شهید شدند و ۲۷ نفر از آنان با کمک اهالی محل و ماموران نجات یافتند.

جنگی که قرار نبود فرسایشی شود

سیدمحمدمهدی دزفولی، پژوهش‌گر تاریخ معاصر، تاریخ انقلاب و جنگ که در جریان ساخت مستندی درباره سقوط سی- ۱۳۰ با افراد مختلفی گفت‌وگو کرده، می‌گوید که به طور مشخص شهید فلاحی به عنوان کفیل ستاد مشترک ارتش و فرمانده جنگ معتقد بودند که جنگ ایران و عراق، نه می‌تواند و نه باید طولانی شود. «دلیل اول آن بود که شهید فلاحی اعتقاد داشت طولانی شدن جنگ باعث فرسایش دو کشور می‌شود؛ بنابراین منطقی نیست که بخواهیم یک جنگ کلاسیک را فرسایشی کنیم. در نتیجه جنگ ایران و عراق تقریبا جزو آخرین جنگ‌های کلاسیک بین‌المللی است که ۸ سال به طول انجامید؛ یعنی جنگ‌های بعدی در دیگر نقاط جهان مانند این جنگ آنقدر طولانی نشد. جنگ‌های فرسایشی و طولانی مانند جنگ ایران و عراق که قریب به یک دهه به طول کشید، دیگر سال‌هاست که در تحولات جهانی جایی ندارد و منسوخ شده است؛ مرحوم فلاحی نیز با همین تفکر به دنبال آن بود که با یک پیروزی بزرگ بتواند به جنگ پایان دهد. آقای هاشمی‌رفسنجانی نیز همین اعتقاد را داشت که می‌توان با یک پیروزی بزرگ و در اختیار گرفتن یک برگ برنده و اهرم فشار، به جنگ پایان داد». با وجود این حرف‌ها حتی بعد از عملیات فاو و به دست آوردن جزیره استراتژیک فاو هم جنگ خاتمه نیافت و آن‌طور که او توضیح می‌دهد، هاشمی‌رفسنجانی اعتقاد داشت بعد از عملیات بیت‌المقدس، ایران در دور پیروزی و عملیات‌های بزرگ قرار گرفته است و به همین دلیل می‌توان صدام را لای منگنه قرار داد و حتی می‌توان وارد خاک عراق شد و در نهایت رژیم بعث تمام پیش‌شرط‌های ایران را خواهد پذیرفت: «در این رابطه برخی افراد مانند رفیق‌دوست نیز همین روایت را تایید می‌کنند که هاشمی‌رفسنجانی به دنبال یک پیروزی بزرگ تا پایان جنگ بود که این پیروزی بزرگ هم به دست نیامد، کمااینکه حتی فتح فاو و رسیدن به دروازه‌های بصره هم نتوانست این برگ برنده را در اختیار هاشمی‌رفسنجانی برای پایان دادن به جنگ قرار دهد و نهایتاً به جایی رسید که در سال‌های ۶۶ و ۶۷ دومینوی شکست‌های ایران، کار را به پذیرش قطع‌نامه ۵۹۸ رساند». دزفولی در گفت‌وگویی که دو سال پیش با شرق انجام داده، می‌گوید که در نهایت طی پژوهش‌هایی به این نکته رسیده است که با سانحه سقوط سی - ۱۳۰ و شهادت فلاحی، کلاهدوز، جهان‌آرا، نامجو و فکوری نتوانستیم پس از سال ۶۱ و عملیات بیت‌المقدس و آزادسازی خرمشهر حالت تهاجمی را در جبهه‌ها حفظ کنیم و بعد از آن تا پایان جنگ ما به یک حالت تدافعی رسیدیم و فقدان این فرماندهان در فاصله زمانی کمتر از ۹ ماه خود را در تحولات میدانی جنگ نشان داد. از یک طرف، فرماندهی جنگ دچار اختلال شد و از طرف دیگر، دیپلماسی و مشخصاً وزارت امور خارجه نتوانست از این برگ برنده (آزادسازی خرمشهر) در میدان به نفع پایان جنگ استفاده کند؛ چیزی که کسانی چون فلاحی و نامجو به دنبال آن بودند».

برخی سناریوهای سقوط

یکی از سناریوهای مطرح درباره سقوط هرکولس، نقش سازمان منافقین در آن بود و بسیاری معتقد بودند که به دنبال ترورهای تابستان سال ۱۳۶۰ این سقوط هم طی یک عملیات خرابکاری انجام شده است آن هم در شرایطی که به گفته این پژوهش‌گر جنگ، این فرماندهان همگی سابقه ترور داشته‌اند: «شهید کلاهدوز تا پیش از حادثه هفتم مهر، تجربه دو بار ترور را از سر گذرانده بود. شهید فلاحی هم در کردستان و پاوه تجربه ترور ناموفق را داشت. همچنین شهید نامجو قبلاً سابقه ترور ناموفق داشت. حال همه این افراد در یک هواپیما جمع شده باشند، آن هم در شرایطی که بعد از خرداد سال ۶۰ سازمان دست به اسلحه شده و رسماً فاز ترور را در دستور کار خود قرار داده است و تنها کمتر از یک ماه از حادثه تروریستی هشتم شهریور و ترور شهید رجایی و باهنر می‌گذرد، قدری جای تامل دارد». با وجود این هنوز ابعاد این حادثه روشن نشده است اگرچه در اولین واکنش‌ها برخی از عملیات خرابکاری سخن گفته بودند اما هاشمی‌رفسنجانی در یادداشت‌های روزانه خود در روز بعد از حادثه که در کارنامه و خاطرات سال ۱۳۶۰ آمده است، این احتمال را ضعیف دانست: «تحقیقات نشان می‌دهد که سقوط هواپیما به احتمال قوی خرابکاری نبوده است». در جلد پانزدهم از مجموعه «روزشمار جنگ ایران و عراق» با عنوان «شکستن محاصره آبادان» سقوط هواپیمای حمل‌ونقل سی -۱۳۰ نیز از خاموش شدن ۴ موتور هواپیما به دلیل نامشخص و مشکوک سخن به میان آورده شده است: «خلبان تلاش می‌کند، هواپیما را در همان منطقه به زمین بنشاند. چرخ‌های هواپیما را به وسیله دستگیره دستی باز می‌کند اما هواپیما که در زمین ناهموار فرود آمده بود، پس از مسافتی حدود ۲۷۰ متر به دلیل ناهمواری زمین، نداشتن تعادل و برخورد بال چپ به زمین، متلاشی شده و آتش می‌گیرد».

در واقع این نخستین سانحه سقوط هواپیما در ایران پس از انقلاب و پرمناقشه‌ترین مورد بود که منجر به فوت شد که درباره آن گمانه‌زنی‌های دیگری وجود دارد. محمود خرم‌دل، کمک خلبان این هواپیما در گفت‌وگو با ماهنامه صنایع هوایی می‌گوید، تا ۸ شب همه چیز طبق روال بود اما به ناگاه سیستم برق هواپیما از کار افتاد، موتورهای هواپیما و سیستم هیدرولیک هدایت نیز به همین ترتیب. شهید جواد فکوری ابتدا به کابین خلبان می‌رود تا برای رفع مشکل چاره‌ای بیندیشد اما زود متوجه می‌شود که این مشکل فراتر از چیزی است که تصور کرده. سال ۱۳۹۶ ناخدا هوشنگ صمدی، فرمانده تکاوران دریایی مدافع خرمشهر در مصاحبه با روزنامه قانون فرضیه تایید نشده دیگری را مبنی بر شلیک پدافند به این هواپیما مطرح کرد اما هنوز با گذشت بیش از ۴ دهه، ابهامات این ماجرا بر قوت خود باقی است.

تقویم

تاریخ‌نگار بیداری

به مناسبت سالروز تولد احمد کسروی

هشتم مهرماه سالروز به دنیا آمدن سیداحمد کسروی، مورخ، زبان‌شناس، حقوق‌دان و از رجال فکری و فرهنگی معاصر ایران است که تاریخ را وسیله بیدارسازی و آگاهی‌بخشی عموم مردم می‌دانست. در تبریز به دنیا آمده بود و نیاکانش همه روحانی و پیش‌نماز بودند اما در نهایت وقتی هنوز ۵۵ سال داشت توسط چند تن از اعضای فداییان اسلام در کاخ دادگستری ترور شد. کسروی، بنیان جدیدی را در سبک‌وسیاق غیرسنتی و معمول در عرصه تاریخ‌نگاری ایرانی پی‌ریزی کرد. او در کتاب تاریخ مشروطه ایران می‌نویسد: «یکی از گرفتاری‌های ایران این است که پیش‌آمدها را زود فراموش کنند و ما می‌بینیم، دسته‌های انبوهی آن زمان‌های تیره گذشته را از یاد برده‌اند و از آسایشی که امروز می‌دارند، خشنودی نمی‌نمایند و یکی چیزی درباید که همیشه روزگار درهم و تیره گذشته را در پیش چشم اینان هویدا گرداند. از هر باره که بیندیشیم باید این تاریخ نوشته شود و من خود را ناگزیر دیده و به آن برخاستم». کسروی حلقه واسط تاریخ‌نگاران عصر مشروطیت ایران با اهل تاریخ در دوره بعد از آن انقلاب است، کسی که بنیان جدیدی را به سبک‌وسیاق غیرسنتی و معمول در عرصه تاریخ‌نگاری ایرانی پی‌ریزی و فضای جدیدی را برای تاریخ‌نگاران پس از خود ایجاد کرد و در کتب تاریخی خود نیز بیش از هر چیز توده‌ها را مورد مطالعه قرار داد. ۲ اثر مشهورش درباره تاریخ مشروطیت ایران در سال‌های پی‌درپی و تا به امروز مصدر و محور بسیاری از دیدگاه‌ها و داوری‌های تاریخی بوده و جایگاهش در مکتب تاریخ‌نگاری مشروطیت تا جایی است که بررسی صحت‌وسقم گزارش‌ها و داوری‌های او بر پایه اسناد و مدارک معتبر تاریخی می‌تواند آزمون خوبی برای درک میزان صحت و اصالت مکتب تاریخ‌نگاری مشروطه باشد. از نظر او تاریخ‌نگاری گذشته دچار ضعف‌هایی بوده به ویژه اینکه آلوده تملق و چاپلوسی تاریخ‌نگاران رسمی بوده است و بر پایه نوشته‌های آنها نه‌تنها ضعف‌ها و خطاهای جامعه اعم از بی‌ثباتی سیاسی، اقتصادی، حاکمیت خرافات، جهل، نادانی و انحرافات فکری، فرهنگی زدوده نمی‌شود بلکه بیشتر به آن آلوده می‌شود. این پژوهش‌گر بیش از ۵۰ کتاب در رشته‌های مختلف تاریخی، زبان‌شناسی، جغرافیایی، سیاسی، اجتماعی و علمی نوشت که درباره هر کدام از آنها تاکنون دیدگاه‌های متناقضی بیان شده است. او معتقد بود که دانش تاریخ می‌توانست در پیوند و انسجام ملتی که از بی‌ثباتی ملی رنج می‌برد، موثر باشد. چنین ضرورتی، او را به تألیف ۲ اثر مهم تاریخی یعنی تاریخ مشروطه ایران و تاریخ ۱۸ ساله آذربایجان سوق داد. یعقوب آژند درباره کتاب تاریخ مشروطه ایران می‌نویسد: تاریخ مشروطه احمد کسروی، تاریخ‌نگاری فارسی را در عصر جدید شکل داد و شالوده‌ای برای تاریخ معاصر ایران شد. او در این تاریخ خود کوشید از دخل‌وتصرف در واقعیت بپرهیزد و موضع جنبش جدید ایران را به عنوان بزرگ‌ترین واقعه تاریخ معاصر ایران بازشناسد و پیدایش روح جمعی ایرانیان را در عصر جدید بازنماید. به گزارش ایرنا، کسروی همچنین به نگارش اثر نظری با عنوان در پیرامون تاریخ و مقاله‌هایی چند در همین حوزه از قبیل تاریخ ۵۰۰ ساله خوزستان و قیام شیخ‌محمد خیابانی همت گماشت. کسروی در کتابی با عنوان در پاسخ بدخواهان پیرامون گیاه‌خواری به بحث می‌پردازد و دلایل خود را باز می‌گوید. وی به جای استفاده از واژه «گیاه‌خواری» از لفظ «گوشت‌نخواری» بهره می‌برد. ازجمله دیگر نوشته‌های کسروی می‌توان به کار، پیشه و پول، کارنامه اردشیر بابکان، کافنامه، کتاب پلوتارخ، گفت و شنید، ما چه می‌خواهیم؟ ما از فرهنگ چه می‌خواهیم؟ ما و همسایگان، مشروطه بهترین شکل حکومت و ... است. علاوه بر این، او مسئول مستقیم تحقیقات تاریخی مجله آینده محمود افشار نیز بود؛ مجله‌ای که با مشی ملی‌گرایانه و با مقاله‌هایی با محوریت وحدت ملی اداره می‌شد.